



گفت‌وگو با فریدون مجلسی:

## اسرائیل به فشارهای رسانه‌ای اهمیت

### نمی‌دهد

صفحه ۵

## نگاه‌ویژه:

# از انتفاضهٔ سنگ تا انتفاضهٔ موشک



**سرمقاله**

**نگاه جهان به مسائل غزه:**

**متهم در جای خود قرار می‌گیرد؟**

**سیداحمد فاطمی‌نژاد**

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

درگیری فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها مسئلهٔ جدیدی در روابط بین‌الملل نیست و بیش از هفتاد سال سابقه دارد. هرچند طی این مدت، ماهیت درگیری‌ها دچار تحولات جدی شده اما هرگز به سوی راه‌حل مشخصی پیش‌نرفته است. طی دهه‌های اخیر، عمدهٔ درگیری میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در نوار غزه متمرکز است؛ چون با توجه به حضور و سیطرهٔ حماس در این منطقه، تمایل بیش‌تری برای مقابله با اسرائیلی‌ها و مقاومت در برابر آن‌ها وجود دارد. آخرین درگیری بین این دو گروه که در نیمهٔ دوم اردیبهشت رخ‌داد و ۱۱ روز به طول انجامید، منجر به موشک‌باران اسرائیل از سمت حماس و بمباران غزه از سمت اسرائیل شد. در نتیجهٔ این درگیری‌ها حدود ۲۵۰ فلسطینی و ۱۳ اسرائیلی جان خود را از دست دادند و بیش از ۵۰هزار فلسطینی آواره شدند. با این حال، آن‌چه در این یادداشت مدنظر است رویکرد جهانیان به فجایع غزه و کشتار گستردهٔ فلسطینی‌ها در حملات اسرائیل است. در ادامه رویکرد کشورهای مختلف به این منازعه مرور می‌شود.

کشورهای اسلامی عموماً از گذشته رفتار اسرائیلی‌ها را محکوم کرده و جانب فلسطینی‌ها را گرفته‌اند. البته شیوهٔ حمایت کشورهای اسلامی از فلسطین، ممکن است تفاوت‌هایی با هم داشته باشد اما در اصل حمایت تردیدی نیست. کشورهای موسوم به «محور مقاومت» از انواع کمک‌های مادی، معنوی، رسانه‌ای، و حتی نظامی دریغ نکرده‌اند. کشورهای حوزهٔ خلیج فارس عمدتاً با حمایت‌های مادی و رسانه‌ای به فلسطینی‌ها کمک می‌کنند. کشورهای مسلمان آسیای شرقی، آسیای جنوبی و ... نیز کم و بیش حمایت‌های معنوی و دیپلماتیک ارائه می‌دهند. حتی اردن و مصر که از پیشگامان برقراری رابطه با اسرائیل و شناسایی آن هستند، همواره نقش پررنگی در حمایت از فلسطینی‌ها داشته و در همین تنش اخیر نیز تلاش و میانجی‌گری همین کشورها به ویژه مصر منجر به آتش‌بس شد.

دومین گروهی که موضع آن‌ها در مورد منازعهٔ اسرائیل و فلسطین اهمیت دارد، کشورهای اروپایی هستند. کشورهای اروپایی به‌ویژه در قالب اتحادیهٔ اروپا خود را منادی صلح و حقوق بشر می‌دانند. بنابراین نمی‌توانند از وضعیت فلسطین چشم‌پوشی کنند. طی دهه‌های اخیر به‌ویژه بعد از طرح ایدهٔ موسوم به نقشه راه (دو ملت، دو کشور)، اروپایی‌ها تمام توان خود را برای عملیاتی‌شدن این ایده گذاشته و آن را تنها راه پایان دادن به وضعیت موجود می‌دانند. حتی برخی از کشورهای اروپایی، فلسطین را به عنوان یک کشور به رسمیت شناخته و از عضویت آن در سازمان ملل حمایت کردند. جدای از این‌ها، در موارد متعدد کشورهای اروپایی بر آتش‌بس و مصالحه میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تأکید داشته‌اند. برای مثال، طی همین درگیری اخیر، فرانسه به همراه کشورهایی نظیر اردن و ... پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای طرح در شورای امنیت سازمان ملل در حمایت از آتش‌بس تهیه کردند که مانند همیشه با مخالفت آمریکا به جایی نرسید.

باقی کشورها نظیر کشورهای امریکای لاتین و آسیای شرقی نیز موضعی کم و بیش مشابه اروپایی‌ها دارند. اما آن‌چه در درگیری‌های اخیر غزه جالب توجه بود، مواضع آمریکا بود. البته طبیعی است که موضع رسمی دولت آمریکا کماکان بر حمایت از اسرائیل و چشم‌پوشی از جنایات آن استوار است اما در سایر لایه‌های سیاست‌ورزی این کشور، شاهد شکل‌گیری حمایت‌های جدی از فسطینی‌ها بودیم. برای مثال، گروهی از دموکرات‌های جوان به ویژه به رهبری رشیده طلب و ایلهان عمر، در کنگره از حقوق فلسطینی‌ها حمایت کرده و جنایات اسرائیل را محکوم نمودند. علاوه بر آن، همدردی گسترده‌ای در سطح افکار عمومی و رسانه‌های آمریکا نسبت به فلسطینی‌ها رخ داد که اوج آن را می‌توان در انتشار تصاویر کودکان فسطینی (که قربانی حملات اخیر اسرائیل بودند) در صفحهٔ اول نیویورک‌تایمز دید. در این فضا، رویکرد استفان والت استاد برجسته روابط بین‌الملل در آمریکا بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد که معتقد است آمریکا نباید بیش از این به خاطر اسرائیل هزینه کرده و منافع مادی و اعتبار خود را به خطر بیندازد.

در مجموع، به نظر می‌رسد که در پی بازتاب گستردهٔ وقایع غزه در رسانه‌های جهانی و حساسیت افکار عمومی جهان نسبت به ظلم اسرائیل به فلسطینی‌ها، می‌توان انتظار داشت که اسرائیل از هویت قربانی، تروریسم خارج شده و در جایگاه متهم (که جایگاه واقعی آن بوده) قرار گیرد. زیرا نه‌تنها افکار عمومی جهانی به مرور زمان این رویکرد را پیدا می‌کنند بلکه سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی نیز بیشتر بر رفتار اسرائیل متمرکز شده و آن را محکوم می‌کنند. برای مثال، در همین برخورد اخیر فلسطینی‌ها و اسرائیل، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به درخواست چند کشور اسلامی برای شکل‌گیری هیئت تحقیق دربارهٔ خشونت‌های اخیر میان غزه و اسرائیل رای مثبت داده است.



شماره مجوز: ۹۹۱۷۲۶

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همکاران قدر، سرکارخانم الناز نوری

با کمال تاسف و تاجر درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترم‌تان صبر و شکیبایی خواستاریم. هم‌سوگ‌تان هستیم.

هیئت تحریریه نشریه وقایع اتفاقیه

صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی

مدیرمسئول: سبحان گوهری

مشاوره فرهنگی: دکتراحمد رضا اصغرپورماسوله

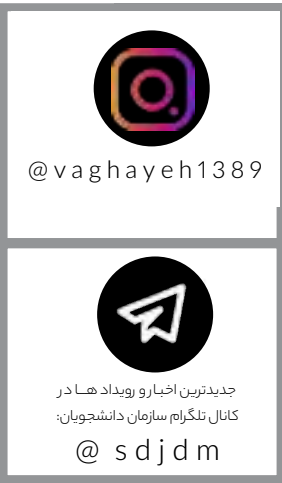
همکاران این شماره: هدی بوسفی، مصطفی شوشتری، زهرا نخعی، نیوشا روشن‌قیاس، امیرمحمد صفی‌پور، محمدشمس‌الدین عبداللہی‌نژاد، حمید خادمی، محمدرضا فرهمند، محمدرضا خلیب، شهریاراحمدی، صدف یگانه، هنگامه الهی‌فرد.

هیئت تحریریه: سرویس خیزنامه: سجاد کاشانی، سرویس اقتصادی و اجتماعی: سیده زهرا فاطمی یزدی، سرویس فرهنگی و هنری: مریم رحیمی، سرویس ادبی: الناز نوری، سرویس دارالفنون: الهام حق‌پرست، سرویس عکس: رسول هاشم‌آبادی، سرویس انگلیسی: شادی اسعدی.

با تشکر از: دکتر سیداحمد فاطمی‌نژاد، دکتر منصور براتی، آقای فریدون مجلسی، شمس‌الدین عبدالله نژاد.

صفحه آرا و طراح جلد: امیررضا رنگ‌آمیز

وبسایت: www.sdjdm.ir ایمیل: vaghayeh.mag@gmail.com



جدیدترین اخبار و رویدادها در کانال تلگرام سازمان دانشجویان:

@sdjdm

## چندجانبه‌گرایی، راه‌حل مناسبی برای سیاست خارجی دولت سیزدهم خواهد بود

با کشورهای تنها پس از رفع موانعی چون مسئله تحریم‌ها و پرونده FATF امکان‌پذیر خواهد شد.

آنچه اهمیت دارد نه تداوم و نه تغییر سیاست خارجی بلکه حصول منافع ملی است. سیاست خارجی چه با رویکرد عملگرایی و چه با رویکرد ایدئولوژیک زمانی کارآمد محسوب می‌شود که در نهایت منافع ملی را تأمین کرده و به عزت و اقتدار نظام و سطح زندگی بهتر برای شهروندان منجر شود. دولت جدید در این راستا باید بیش از گذشته از نخبگان سیاست خارجی برای ارزیابی شرایط منطقه و جهان کمک بگیرد، از قدرت نرم رسانه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و نیز راهبرد بلندمدتی تدوین کند که در آن اولویت‌های منطقه‌ای و جهانی ذکر شده و هدف نهایی سیاست خارجی تبیین شده باشد. در این سند باید بیان

موضوعاتی مانند برجام و FATF می‌تواند سرآغاز جذب سرمایه‌گذاری‌های گسترده از جانب کشورهای اروپایی در ایران باشد. تأکید بر مسائل امنیتی و اختلافات در حوزه قدرت سخت و تأخیر در پذیرش برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی اقتصادی نیز شرایطی شبیه به صلح سرد را میان ایران و اروپا نتیجه می‌دهد.

به نظر نمی‌رسد نحوه مواجهه شدن با مسئله فلسطین نیز با تغییر عمده‌ای مواجه شود؛ چراکه فلسطین آرمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواهد ماند. اما به نظر می‌رسد مواجهه با جنایت‌های رژیم صهیونیستی با تنش بیشتری همراه باشد. این عامل فارغ از رویکرد دولت جدید، به دلیل رویدادهای اخیر منطقه‌ای و از سرگیری حملات به نوار غزه رویکرد صحیحی خواهد بود.



شده باشد جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان چیست، اولویت‌های سیاست خارجی این کشور کدام‌اند، هدف نهایی ساز و کارهای سیاست خارجی چیست و برای رسیدن به این هدف کدام مسیرها ترسیم شده‌اند. تنها در صورت داشتن برنامه‌های راهبردی بلند مدت و چندجانبه‌گرایی در منطقه و جهان می‌توان سیاست خارجی دولت سیزدهم را سیاست خارجی واقع‌گرایانه و موفق دانست.

گرچه تعامل با آمریکا نیز تابعی از نتیجه بخش بودن نبودن مذاکرات وین است؛ به نظر می‌رسد با تغییر دولت تلاش کمتری برای تحقق آن صورت گیرد؛ چراکه دولت جدید احتمالاً پس از تجربه ناموفق برجام، از غرب‌گرایی عبور کرده و عمده توجه خود را به شرق معطوف می‌دارد. هر چند برای تعامل با هر کشوری، چه در شرق آسیا، چه در اروپا و چه در حوزه خاورمیانه، تنش‌زدایی حداقلی با ایالات متحده از ملزومات به حساب می‌آید، ایجاد و تداوم روابط راهبردی

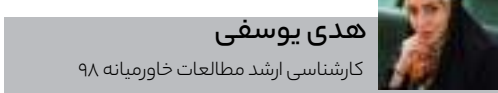
کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، فاصله گرفتن ایران از همسایگان عرب حوزه خلیج فارس به افزایش هر چه بیشتر نفوذ اسرائیل در این منطقه منجر خواهد شد. ایران برای جلوگیری از گسترش عمق استراتژیک اسرائیل علاوه بر ارتباط نزدیک با کشورهای چون لبنان، سوریه و عراق باید بر تنش زدایی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز تمرکز کند؛ این امر علاوه بر دلایل سیاسی و امنیتی ذکر شده منافع اقتصادی فراوانی نیز برای ایران در بر خواهد داشت. در حوزه دیپلماسی اقتصادی، به نظر می‌رسد نگاه دولت سیزدهم به شرق باشد و از این طریق در صدد ایجاد یک دیپلماسی اقتصادی پویا برآید، این امر در نتیجه دو عامل خواهد بود؛ نخست از بین رفتن اعتماد به غرب در جریان خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و دوم به دلیل قرار داشتن ایران در حوزه ابتکار کمربند یک جاده کشور چین و تمایل مقامات چینی به سرمایه‌گذاری‌های گسترده زیرساختی در ایران.

در رابطه با برجام، توجه به این نکته ضروری است که برجام یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است و دولت بعد نمی‌تواند به صورت مستقل در رابطه با آن تصمیمات یک‌جانبه اتخاذ کند.

با توجه به انتقادهایی که نسبت به توافق برجام وجود داشته است و مخالفان معتقد بوده‌اند که این توافق، یک توافق برد و باخت و به ضرر ایران بوده، به نظر می‌رسد اگر توافق نهایی در دولت سیزدهم انجام گیرد، مسئولان سیاست خارجی، تعهدات بیشتری را از طرف‌های غربی مطالبه خواهند کرد و اگر دولت سیزدهم زمانی زمامدار امور شود که مذاکرات وین به نتیجه رسیده باشد، برای انجام راستی‌آزمایی، پیش شرط‌های بیشتری نسبت به دولت فعلی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد برنامه هسته‌ای و بازدارندگی موشکی، خط قرمز دولت سیزدهم باشد و به جای اولویت تعامل با جهان شاهد اولویت قدرتمندی در حوزه هسته‌ای و موشکی باشیم.

تعامل با اروپا به‌عنوان تابعی از میزان نتیجه بخش بودن مذاکرات وین و نیز تصمیم قطعی در رابطه با پیوستن یا پیوستن به FATF قابل بررسی است؛ حل شدن



هدی بوسفی

کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه ۹۸

سخن گفتن در رابطه با تداوم یا تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم به میزان زیادی تحت تأثیر کاندیدای انتخابی است؛ هر شخص، به دلیل دیدگاه متفاوتی که نسبت به تحولات جهان و منافع ایران دارد، رویکرد متفاوتی برای تأمین منافع تدوین کرده و به کار می‌گیرد اما از آنجا که اصول مشترکی نیز در میان کاندیداها وجود دارد، امکان یک پیش‌بینی کلی از محورهای اصلی سیاسی خارجی را فراهم می‌شود.

بر اساس الگوی ترسیم مقام معظم رهبری، محورهای اساسی سیاست خارجی عبارتند از:

- ۱- امنیت از موضع اقتدار
- ۲- صلح از موضع قدرت
- ۳- مذاکره و دیپلماسی از موضع عزت و منفعت

بر این اساس، سیاست خارجی در دولت سیزدهم، با هر رویه‌ای که باشد، در جهت پیشبرد این سه محور اساسی خواهد بود؛ به‌ویژه آنکه طبق بیانات رهبر معظم انقلاب، وزارت خارجه مجری سیاست خارجی است و نه تعیین‌کننده آن. بنابراین، اصول ثابتی در سیاست خارجی وجود دارد که با تغییر مجریان، تفاوت عمده‌ای در آن حاصل نخواهد شد اما تغییر در شیوه اجرای اصول و رویکرد اتخاذ شده توسط دولت محتمل است.

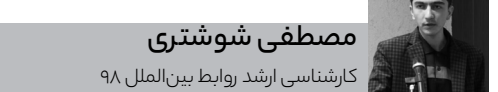
در رابطه با تعامل با همسایگان، دولت سیزدهم ناگزیر از تنش زدایی با آن‌ها خواهد بود. اگر رفع اختلافات با عربستان در دستور کار قرار گیرد، مسیر تنش‌زدایی در بیشتر عرصه‌های نزاع منطقه‌ای فراهم خواهد شد. به‌ویژه با اثرگذاری پرتنگ عربستان بر دیگر کشورها در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس یا دیگر نهادهای منطقه‌ای، بهبود روابط با این کشور مسیر تنش زدایی با دیگر کشورها را نیز فراهم می‌کند. تمرکز بر روابط با همسایگان از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های پس از انقلاب بوده است اما به نظر می‌رسد این امر در دولت سیزدهم از اهمیت بالاتری برخوردار باشد؛ چراکه پس از رویدادهای سال‌های اخیر به‌ویژه عادی سازی روابط برخی

## «فاصله‌گذاری» به سبک آقای بایدن

عمومی خشونت مخالفت کرد. جو بایدن درباره به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل گرچه نظر مخالفی ابراز نکرده اما از موقع ورود به کاخ سفید، به شکل آشکاری فاصله خود با نتانیاهو را حفظ کرده است. فشارهای موجود در درون حزب دموکرات به ویژه از جانب چپ‌گراها و اقداماتی از قبیل نامه ۲۹ سناتور دموکرات که خواهان آتش‌بس فوری نبرد اخیر شده بودند با مقاله پرسروصدای برنی سندرز در نیویورک تایمز -که با وجود افتخار خویش به یهودی بودن و تأکیدش بر حق دفاع اسرائیل از خود، به تندب‌ر سیاست‌های نتانیاهو و انفعال بایدن در برقراری آتش‌بس تاخته بود- همگی موجب این شد تا بایدن صراحت بیشتری در برابر نتانیاهو برای انجام فرآیند آتش‌بس نشان دهد.

بایدن پس از استقرار در کاخ سفید، تا یک هفته هیچ‌گونه تماسی با نتانیاهو نگرفته بود و تقریباً در تاریخ روابط اسرائیل و آمریکا سابقه نداشته که نخست‌وزیر اسرائیل برای اولین تماس رئیس‌جمهور آمریکا این‌قدر معطل شود. فاصله‌گیری معنادار بایدن از نتانیاهو، نشانه‌ای است از این که رئیس‌جمهور آمریکا تمایل دارد وقت و توان خود را صرف حل موضوعات مهمی مانند روابط با چین و مقابله با تغییرات اقلیمی کند. جناح چپ حزب دموکرات نیز همواره رئیس‌جمهور آمریکا را از امتیازدهی بیش‌تر به اسرائیل برحذر می‌دارند. اما از سوی دیگر لابی‌های یهودی نیز بیکار نمی‌نشینند و با توجه به وضعیت جنگی پیش‌آمده، توانستند موافقت بایدن با امکان فروش ۷۳۵ میلیون دلار تجهیزات نظامی به اسرائیل را به دست آورند. ارزیابی سفر آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا به تل‌آویو، رام‌آته و سپس به مصر و اردن حاوی این نکته است که سیاست خارجی دولت بایدن به دنبال ایجاد نوعی تعادل و فاصله گرفتن از سیاست‌های دولت پیشین نویدوار در قبال فلسطینیان و جلوگیری از بی‌ثبات‌تر شدن منطقه است. رئیس‌جمهوری آمریکا تلاش کرده با دوری از اسرائیل در ماه‌های آینده، برنامه‌های خود در خصوص برجام و بازگرداندن اعتبار از دست‌رفته‌اش نزد شرکای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی را پیش ببرد.

آن‌چه از صحبت‌های بلینکن و نتانیاهو در نشست خبری پس از دیدارشان به نظر می‌رسد این است که آمریکا تلاش کرده سیاست جدید خود در خصوص الحاق مجدد این کشور به توافق هسته‌ای با ایران را به اسرائیل تفهیم کند. اسرائیل نیز به دلیل وجود چالش‌ها و مسائل مختلف در روابط با آمریکا از جمله نقش آمریکا در آینده «توافق ابراهیم»، پروژه‌های شهرک‌سازی و جلوگیری از ایجاد کشور مستقل فلسطین، ناگزیر به درک و پذیرش اقدامات تازه آمریکا در قبال ایران است.



مصطفی شوشتری

کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل ۹۸

شش ماه پس از روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، وزیر امور خارجه این کشور برای نخستین بار به اسرائیل سفر کرد. گرچه هدف اعلام‌شده این سفر، تلاش برای حفظ آتش‌بس در غزه بود اما به گفته وزیر امور خارجه آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل، در این سفر درباره مذاکرات بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران و فروش سلاح به اسرائیل نیز گفت‌وگو شد. شاید اگر بحران ناشی از نبرد ۱۱ روزه حماس و اسرائیل و ویرانگری‌های این رژیم در باریقه غزه رخ نمی‌داد، رئیس‌جمهور آمریکا صبر می‌کرد تا دوران نخست‌وزیری نتانیاهو به سر برسد و دیدارهای دیپلماتیک وزیر امور خارجه‌ها را با نخست‌وزیر جدید اسرائیل هماهنگ کند. گرچه تنها سه روز بعد دیدار از بلینکن و نتانیاهو، منابع اسرائیلی از توافق یائیر لاپید رهبر حزب پیش‌تنید، و نفتالی بنت، رهبر حزب میناه، بر سر تشکیل کابینه تغییر خبر دادند. بر اساس توافق حاصله میان سران دو حزب فوق، دوره نخست‌وزیری میان بنت و لاپید تقسیم خواهد شد و این یعنی پایان بیش از یک دهه صدارت نتانیاهو.

به‌طور کلی روابط ویژه اسرائیل و آمریکا به گونه‌ای است که تمام رؤسای جمهوری آمریکا اعم از دموکرات یا جمهوری‌خواه تعهدات ویژه‌ای را در قبال امنیت اسرائیل پذیرفته‌اند و این رابطه ویژه باعث شده در پیوند راهبردی دو کشور تغییر چندانی حاصل نشود. حتی دموکرات‌ها در دهه‌های بعد از استقرار دولت اسرائیل، اصلی‌ترین حامیان آنان بوده‌اند و اکثریت یهودیان آمریکا نیز حامی حزب دموکرات بودند. در رابطه با دوران ریاست‌جمهوری بایدن نیز نباید انتظار داشت که وی نفی‌کننده همه اقدامات ترامپ در قبال اسرائیل باشد. اما موضع‌گیری صریح بایدن برای برقراری آتش‌بس در جنگ اخیر اسرائیل و حماس، به خوبی یکی از تفاوت‌های میان سیاست‌های بایدن و ترامپ در قبال اسرائیل را آشکار کرد. بایدن به مانند روزهایی که معاون اوپاما بود، هم‌چنان بر راه‌حل تشکیل دو کشور اسرائیل و فلسطین تأکید دارد و احتمالاً مخالفت‌های بیشتر از سوی آمریکایی‌ها درباره شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها صورت خواهد گرفت، یکی دیگر از تفاوت‌های بایدن با ترامپ در این است که برخلاف ترامپ، فرآیند محور و عصابه‌دست تصمیم‌گیری می‌کند. درباره بحران نبرد اخیر اسرائیل و حماس با وجود فشار بایدن بر نتانیاهو برای پایان دادن به حملات ویرانگر اسرائیل به غزه، ایالات متحده با صدور هرگونه قطعنامه برای منع و محکومیت

## صدای معترضان خاموش شنیده نمی‌شود!

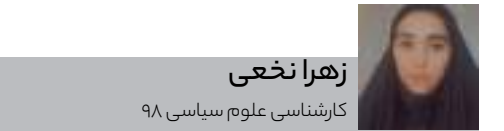
و نخواهیم رأی بدهیم پس چوه در وادی بعدی، در هنگام سختی‌ها و مشکلات اعتراض کنیم؟ چرا که در واقع در آن زمانی که باید انتخاب می‌کردیم، از این کار امتناع ورزیدیم و پس از گذشت زمان دیگر ب نسبت به چه چیزی باید شاکی باشیم؟ بحث بر سر این است که قهر با صندوق رای و رهاکردن قوه مجریه آینده ما و فرزندانمان را به خطر می‌اندازد و نشان از آن دارد که ارزشی برای این آینده قائل نیستیم و برای بهتر شدن آن سعی و تلاشی نکرده‌ایم. انتخابات یکی از ابزارهای بسیار مهم برای انعکاس اندیشه‌ها و آرمان‌های شهروندان به‌شمار می‌رود که این زمینه را برای مردم فراهم می‌کند تا با رای دادن، اراده فردی و جمعی‌شان را در عمل‌کرد و ساختار نظام سیاسی یک کشور بازتاب دهند.

هر فرد در زندگی به‌دنبال تحقق اهداف و آرمان‌هایی است که هرگز نمی‌تواند به تنهایی به آن نایل شود، اما تحول در جامعه، در رویکرد، عملکرد و ساختار نظام سیاسی می‌تواند شهروندان را در تحقق بخش زیادی از اهداف‌شان کمک کند.

رأی نه‌تنها یک تکلیف مدنی و یک مسئولیت اجتماعی است بلکه حق مدنی طبیعی هر شهروند است که از آن بر اساس فکر و اندیشه خویش آزادانه برای تعیین سرنوشت خود استفاده می‌کند؛ در نتیجه، فضای اعتماد میان شهروندان و قدرت حاکمه به‌وجود می‌آید. برخی از مردم فکری می‌کنند که شرکت نکردن در انتخابات، یعنی رای دادن به هیچ کدام از گزینه‌های موجود. آن‌ها فکر می‌کنند که رای ندادن به معنای اعتراض به فهرست نامزدهای انتخاباتی است و دوست دارند صدای اعتراض‌شان شنیده شود. بررسی‌های تاریخی نشان داده است که صدای معترضان خاموش شنیده نمی‌شود!

آیا فریاد سکوت مردمی که به پای صندوق‌های نرفته بودند شنیده شد؟ آیا رای مخالف ۷۶ درصد جمعیت آمریکا، از ورود کلینتون به کاخ سفید جلوگیری کرد؟ آیا بیل کلینتون که‌تر از اوپاما رئیس‌جمهور بود؟

در واقع مردم به‌دلیل ناکارآمدی دولت در برخی حوزه‌ها، فشارهای خارجی و هم‌چنین حمله‌های غیراصولی که از سوی رقبای متوجه دولت می‌شود که از مرز رقابت گذشته و می‌توان نام دشمنی را روی آن گذاشت، نسبت به آینده مأیوس شده‌اند. جامعه به این گمان رسیده‌است که دیگر رجوع به صندوق رأی، آن‌چنان که باید مشکلات را رفع نمی‌کند. حقیقت این است که به هرحال در میان گزینه‌های موجود، گزینه قابل اعتماد نیز وجود دارد، تبلیغات منفی و تجربیات تلخ گذشته نباید مانع از انتخاب ما شود. انتخاب یک گفتمان سیاسی استاندارد اکنون بر شانه‌های ما فرار دارد بنابراین بهتر است به چشم عقل اقدام به انتخاب کنیم.



زهرا نخعی

کارشناسی علوم سیاسی ۹۸

انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری که به‌وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی دخالت داد.

اکنون، در هزاره سوم و پس از پشت سر گذاشتن انواع نظم‌های جهانی، هنوز هم بسیاری از مردم از نعمت و حق رای دادن در جهان محروم‌اند. این درحالی‌ست که انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌جو برای به‌دست آوردن حق آزادی بیان و رای دادن قرن‌ها مبارزه کرده‌اند و در جوامع گوناگون هزینه‌های گزافی برای رسیدن این حقوق شهروندی پرداخته‌اند.

در هر دوره، عده‌ای از مردم وجود دارند که به دلیل مشکلات مختلفی که در کشور جاری است؛ اصرار دارند در انتخابات مشارکت نکنند و آن را امری بی‌هوده می‌انگارند، به نظر نگارنده این عمل، مثل این است که کسی در روزنامه بخواند که سیگار کشیدن ضرر دارد، بنابراین تصمیم بگیرد که دیگر روزنامه نخواند. درحالی‌که به جای زیر سوال بردن اصل مطلب، بهتر است اگر معترض هستیم، اعتراض کنیم. «اعتراض» یعنی بلندکردن صدا و حرف زدن، نه رای ندادن و قهر کردن از صندوق. عده‌ای بر این باورند که یک رای آن‌ها تأثیری در انتخابات ندارد؛ بنابراین رأی نخواهند داد.



در نتیجه انتخابات تصمیم جمعی تک تک افراد تأثیرات بزرگی بر سرنوشت همگانی جامعه ایجاد می‌کند. از سویی رأی دادن حق ماست. اگر به‌دنبال حق‌مان نباشیم

## واعظی: دولت برای تصویب لوایح FATF تلاش خود را کرد

محمود واعظی در گفت و گو با خبرنگار سیاسی ایرنا درباره ادعای یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مبنی بر اینکه دولت درباره این لوایح اهتمام و جدیت لازم را نداشته، اضافه کرد: دولت برای تصویب این لوایح همه تلاش‌های خود را انجام داد. هفت عضو کابینه در جلسات مجمع حاضر شده و به سوالات اعضای مجمع پاسخ دادند.

وی اضافه کرد: در این نشست‌ها معاون حقوقی رییس جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و وزیر خارجه حاضر می‌شدند و اگر برای دولت موضوع اهمیت نداشت اعضای کابینه در جلسات مجمع حاضر نمی‌شدند و به سوالات آنان چه حضوری و چه مکتوب پاسخ نمی‌دادند. حضور اعضای کابینه در جلسات مجمع برای تسهیل‌سازی در امر تصویب لوایح مرتبط با FATF بود.

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هفتاد و شش / نیمه اول خرداد ۱۴۰۰

## به مناسب روز جهانی مبارزه با کار کودکان

## کار و کرونا گریبان کودکان را گرفته است



یونیسف با درخواست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای کودکان آسیب‌دیده از جمله کودکان کار، مقدار قابل‌توجهی ژل و مایع ضد عفونی‌کننده دست ارسال کرده است. علاوه بر آن بروشورهایی برای اطلاع‌رسانی کودکان در مورد پیش‌گیری از ویروس ارائه کرده است. البته همین روند به ظاهر مثبت نیز، وجهه دیگری نیز داشت؛ مدیرکل بهداشتی استان تهران بیان کرد: «در صورتی که مردم شاهد فروش ماسک، دست‌کش، ژل ضد عفونی‌کننده و ... از سوی کودکان کار بودند، اقدام به خرید این اقلام نکنند؛ چراکه این اقلام برای استفاده این کودکان به آن‌ها داده شده است و به جای خرید، به این کودکان سفارش کنند که از این وسایل بهداشتی استفاده کنند.»

همچنین حبیب‌الله مسعودی، معاون امور اجتماعی سازمان بهداشتی کشور در گفت‌وگو با خبرنگاری‌ها اظهار کرد: «برای توزیع اقلام بهداشتی بین کودکان کار

بته در این مبحث ذکر شده سازمان‌های خیریه و خیرین به طور انفرادی نیز نقش خواهند داشت. این افراد با پرداخت کمک‌های مالی، تقبل هزینه‌های درمان و یا توزیع ماسک و دست‌کش می‌توانند تا حدودی به این کودکان کمک کنند.

یکی از موارد حائز اهمیت در این باره، افزایش تعداد کودکان کار در دوران کروناست. به دلیل حفظ پروتکل‌های بهداشتی، فعالیت‌های اقتصادی و پیرو آن درآمدها نیز کاهش یافته است. در نتیجه کودکان در بسیاری از خانواده‌های طبقه ضعیف برای گذراندن معیشت، مجبور به اشتغال در سطح خیابان شده‌اند. حتی سازمان بین‌المللی کار هشدار داده است که عواقب اقتصادی شیوع جهانی ویروس کووید-۱۹ ممکن است تعداد بیشتری کودک را مجبور به کار کند و در معرض بهره‌کشی قرار دهد.

لازم به ذکر است در ابتدای همه‌گیری کرونا ویروس،



## نیوشا روشن‌قیاس

کارشناسی مدیریت صنعتی ۹۶

در پی اپیدمی ویروس کرونا، فعالیت تمامی افراد جامعه تحت تأثیر قرار گرفته است. کودکان کار، یکی از تأثیرپذیرترین اقشار جامعه در کنار قشرهای دیگری مانند افراد فاقد تبعیت در جامعه، کودکان بی‌پناه و زنان سرپرست خانوار و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند. یکی از مهمترین دلایل تأثیرپذیری بالای این اقشار فقدان پشتیبانی و حمایت سازمان‌های دولتی است.

در آمار و ارقام منتشرشده سال گذشته در سایت سازمان جهانی کار آمده است: «به طور قطع تقریباً نیمی از کودکان قربانی کار در کودکی، یعنی ۷۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در آفریقا هستند. همچنین ۶۲ میلیون و ۱۰۰ هزار کودک کار در آسیا و اقیانوسیه، ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در قاره آمریکا، یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در کشورهای عربی و پنج میلیون و ۵۰۰ هزار کودک کار در اروپا و آسیای میانه به سر می‌برند.» بنابراین آمار، تقریباً نیمی از ۱۵۲ میلیون قربانی کار در کودکی در سراسر جهان در سن پنج تا ۱۱ سالگی قرار دارند. هرچند اغلب کودکان ۱۵ تا ۱۷ ساله، برای انجام کارهای سخت انتخاب می‌شوند اما با وجود این، ۱۹ میلیون کودک کار زیر ۱۲ سال نیز به کارهای سخت گماشته شده‌اند.

رجوع به آمارهای سازمان جهانی کار همچنین بیان‌گر این است که از بین ۱۵۲ میلیون کودک قربانی کار در کودکی در سراسر جهان، ۸۸ میلیون پسر و ۶۴ میلیون دختر هستند.

کودکان کار به دلیل برخورد با افراد مختلف در سطح شهر، کارگاه‌ها و معادن، ساعت‌های طولانی فعالیت، نداشتن تغذیه مناسب و استراحت کافی در زمان کار و ... بیش از حد طبیعی نسبت به بقیه افراد، در معرض ابتلا به ویروس کرونا خواهند بود.

برای مثال یکی از رفتارهای پرخطر در این باره، رد و بدل کردن اسکناس‌های پول در مقابل کالا است که موجب انتقال ویروس می‌شود.

البته باید در نظر داشت وضعیت اقتصادی این قشر جامعه بدین گونه است که توان تهیه روزانه ماسک پروتکل‌های بهداشتی، فعالیت‌های اقتصادی و پیرو آن درآمدها نیز کاهش یافته است. در نتیجه کودکان در بسیاری از خانواده‌های طبقه ضعیف برای گذراندن معیشت، مجبور به اشتغال در سطح خیابان شده‌اند. حتی سازمان بین‌المللی کار هشدار داده است که عواقب اقتصادی شیوع جهانی ویروس کووید-۱۹ ممکن است تعداد بیشتری کودک را مجبور به کار کند و در معرض بهره‌کشی قرار دهد.

لازم به ذکر است در ابتدای همه‌گیری کرونا ویروس،

## کنش‌های سلبریتی‌ها چگونه بر سبک زندگی افراد تأثیر می‌گذارد؟

پیدا کرده که برخلاف گذشته، در کمترین زمان به مدد رسانه‌های دیداری مانند تلویزیون، اینستاگرام، تلگرام و ... به شهرت و ثروت فراوان می‌رسد. اما این طبقه نوظهور که به لحاظ درآمد ناگهان از طبقات پایین به طبقات بالا صعود پیدا کرده و به لحاظ فرهنگی و فیزیکی، ویژگی‌های طبقات پایین و سابق خود را دارد. برای اینکه از لحاظ منش و فرهنگی خود را متمایز با گذشته بداند و ثابت کند که دیگر به آن طبقه تعلق ندارد، ساده‌ترین راه نمایش مصرف کالاها و خدمات لوکس و سبک زندگی تجمل‌گرایانه خود در فضای مجازی است.

وبلن در نظریه طبقه تن‌آسای خود، مصرف راهی برای نشان دادن میزان ثروت و کسب منزلت اجتماعی، تشخیص و احترام می‌داند و از مفهوم مصرف تظاهری به‌عنوان مصرفی یاد می‌کند که نه برای برآوردن نیازهای مادی و زیستی، بلکه صرفاً برای کسب احترام و منزلت بیشتر و شباهت بیشتر به طبقات بالادست و در جوامع مدرن و شهری صورت می‌گیرد.

بوردیو معتقد است طبقات مختلف کالاها مختلف را می‌خرند تا جایگاه خود را در ساخت اجتماعی نشان دهند. از نظر او افراد در یک رقابت دائمی تلاش می‌کنند با استفاده از کالاها خاص و با پرهیز از تن‌دادن به کالاها عمومی شده، خود را از افراد مشابه خود متمایز کرده و به افراد طبقات بالاتر شبیه‌تر سازند و بدین ترتیب با بالابردن سرمایه اجتماعی خود از مزایای مادی و نمادین طبقه بالاتر بهره‌مند شده و جایگاه طبقاتی خود را ارتقا بخشند.

می‌توان چنین بیان کرد که افراد با مشاهده سبک زندگی سلبریتی‌ها در اینستاگرام و سایر رسانه‌ها و مقایسه آن با زندگی خود، سعی در تقلید از رفتارها و سبک زندگی آنان می‌کنند تا با پیروی از آنان در مصرف کالاها و برندهای لوکس، بتوانند منزلت و احترام بیشتری از سوی اطرافیان خود جذب کنند.

منبع: ۱- عباسی، عاطفه و جعفری، علی (۱۳۹۹). تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱.

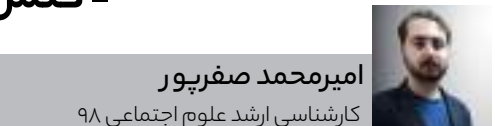
سطح زیاد به ملاقات دوستان صمیمی خود می‌روند. همچنین بر اساس دیدن خویشاوندان نزدیک نیز حدود ۷۰ درصد کاربران، در سطح به ندرت و کم به دیدن خویشاوندان نزدیک می‌روند که نشان می‌دهد چگونه زندگی خاص سلبریتی‌ها در بعد روابط میان فردی و به‌ویژه دیدن خویشاوندان نزدیک بر کاربران تأثیر منفی داشته است. بر اساس تمایل به همکاری و مشارکت در امور گروهی نیز حدود ۶۴ درصد پاسخ‌گویان در سطح به ندرت و کم، به همکاری و مشارکت در امور گروهی تمایل دارند.

با توجه به یافته‌های پیمایش می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در عصر حاضر، طبقه جدیدی ظهور

اوقات فراغت، به شرکت در مهمانی‌های غیر خانوادگی و تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای به مراتب بیشتر از شرکت در سمینارها و نشست‌های علمی بوده است.

همین‌طور در نوع پوشش، بیشترین فراوانی اختصاص به کسانی دارد که پوشاکشان را از پاساژها و بازارهای لوکس تهیه می‌کنند نه از دست فروش‌ها. در انتخاب پوشاک، مهمترین ملاک خوش رنگ و زیبا بودن آن است. همچنین یافته‌های پیمایش در بخش روابط میان فردی حاکی از آن است:

بر اساس ملاقات دوستان صمیمی، بیشتر کاربران یعنی ۳۵/۲ درصد، در سطح گاهی وقت‌ها و ۲۷/۷ درصد در



## امیرمحمد صفرپور

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۸

امروزه سلبریتی‌ها به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر شبکه‌های اجتماعی به شمار می‌روند و اظهارنظرها، حاشیه‌ها و تبلیغات خاص خودشان، مخاطب را ناخودآگاه درگیر زندگی آن‌ها می‌کند. تغییر سبک زندگی مخاطبان خود از مهمترین تأثیراتی است که آن‌ها بر افراد دارند. این تأثیرگذاری در پلتفرم‌هایی که ماهیت دیداری دارند، همانند اینستاگرام، تأثیر بیشتری دارد.

در تعریفی که از سلبریتی داده می‌شود، سلبریتی یا چهره به کسی می‌گویند که معمولاً در زمینه‌هایی مانند هنر، سیاست، رسانه، ورزش، مذهب و نظایر آن در یک جامعه یا در فرهنگ عامه به شهرت رسیده باشد.

سبک زندگی، شیوه زندگی است و برالگوهای مطلوب فردی از زندگی دلالت دارد که جهان‌بینی، نگرش‌ها، عادت‌ها، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در برمی‌گیرد. سبک زندگی در برگزیده ترجیحات افراد در روش زندگی و رجحان‌های آنان در انتخاب شیوه زندگی است. با توجه به موارد گفته شده، پنج شاخص برای مطالعه سبک زندگی می‌توان برشمرد که عبارتند از:

۱- نحوه گذراندن اوقات فراغت ۲- نوع پوشش ۳- مدیریت بدن ۴- روابط میان فردی ۵- الگوی مصرف پیمایشی که از جانب «عاطفه عباسی و دکتر علی جعفری (۱۳۹۹)» با موضوع «تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی» صورت گرفته، موید آن است که ۲۵ درصد از واریانس مربوط به تغییرات سبک زندگی کاربران ایرانی، با تأثیر صفحات اینستاگرام سلبریتی‌ها تبیین می‌شود. این بدین معناست که کنش‌های سلبریتی‌ها در صفحات اینستاگرام تأثیر معناداری بر سبک زندگی مخاطبین خود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بخش مدیریت بدن، افراد با تأثیرپذیری از سلبریتی‌ها، تمایل بیشتری به کاهش وزن از طریق ورزش دارند.

در ادامه تحقیق مشخص می‌شود که، تمایل افراد در



به گزارش ایرنا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز جمعه در دیدار تصویری با مردم در سخنانی به مناسبت سی و دومین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) جمهوری اسلامی را مهمترین ابتکار امام خمینی برشمردند و گفتند: درباره هیچ نظام سیاسی در دنیا به اندازه جمهوری اسلامی پیش‌بینی زوال و فروپاشی نشده است.

درفرازی از صحبت‌های ایشان آمده است: در جریان عدم احراز صلاحیت به برخی کسانی که صلاحیتشان احراز نشد جفا شد. به خودشان و خانواده‌هایشان نسبت‌هایی داده شد که معلوم شد خلاف است. فضای مجازی بدون هیچ قید و بندی این مسایل را منتشر کردند. مطالبه من این است که دستگاه‌های مسئول جبران کنند. گزارش‌هایی خلاف واقع بود.

## کابینه بنت - لاپید؛ اسرائیل جدید یا سکوی پرتاب نتانیاهاو؟



منصور براتی  
دکتری اندیشه سیاسی

سرانجام روز ۳۰ مه ۲۰۲۱ «نفتالی بنت»، رهبر حزب دست راستی یمینه‌ها از تصمیم خود برای همکاری با «بائیر لاپید»، رهبر اپوزیسیون برای تشکیل کابینه («وحدت ملی») خبر داد. حزب یمینه‌ها در روزهای اخیر تحت فشار شدید فعالان سیاسی راست‌گرا و هواداران حزب لیکود قرار گرفته بود. دفتر مرکزی و نیز خیابان‌های نزدیک به منازل رهبران این حزب به محل اعتراضات راست‌گرایان مبدل شده و سه نفر از نمایندگان‌شان تهدید به قتل شده بودند. با این وجود بنت روز ۳۰ مه موفق به کسب موافقت ۶ تن از ۷ نماینده حزب خود برای همکاری با جناح مخالف نتانیاهاو شد. «آمیخای خیلکی» تنها نماینده این حزب است که با تشکیل کابینه تغییر مخالفت کرده و بنت از او درخواست کرده از نمایندگی کنست استعفا دهد. حتی در صورت حضور خیلکی در روز رأی‌گیری برای اعتماد به کابینه جدید و دادن رأی منفی او نیز به دلیل رأی مثبت احتمالی دو حزب عربی رعم و فهرست مشترک عربی، کابینه تغییر مشکلی برای گرفتن رأی اعتماد اکثریت نمایندگان کنست نخواهد داشت.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد کلیه موانع برای تشکیل کابینه جدید در سرزمین‌های اشغالی از میان رفته و پس از ۱۲ سال پیاپی کابینه‌ای تشکیل خواهد شد که «بنیامین نتانیاهاو» در آن حضور نخواهد داشت. این کابینه که با پامردی و تلاش‌های شایان توجه یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون تشکیل خواهد شد، مسیری طولانی را طی کرده است. در دوسال گذشته ابتدا میل به کنار زدن نتانیاهاو پس از جناح چپ-میانه و احزاب عربی، رفته رفته به احزاب دست راستی نیز سرایت کرد. «آویگدور لیبرمن»، رهبر حزب راست‌گرای اسرائیل خانه‌ما، سلسله جیان این خط در میان راست‌گرایان بود. پس از او «گیدئون صعیر»، هم‌حزبی پیشین نتانیاهاو از لیکود انشعب کرد و با تشکیل حزبی جدید باعث شد، اندوخته لیکود به اندازه ۶ کرسی دیگر کاهش یابد. نهایتاً نفتالی بنت که در سال‌های دهه ۲۰۱۰ ابتدا مدیر دفتر نخست وزیر بود و سپس مدتی با بی‌بی در حزب لیکود همکاری کرده و از انتخابات ۲۰۱۳ تا دو ماه پیش از احزاب اقماری هوادار نخست وزیر اسرائیل در جناح راست به حساب می‌آمد، به جناح مخالف پیوسته تا به صدارت طولانی مدت نتانیاهاو خاتمه دهد.

در کابینه موسوم به تغییر حزب یش عتید به رهبری لاپید با کسب ۷ وزارت‌خانه و نیز ریاست کنست از بیش‌ترین میزان قدرت برخوردار خواهد بود. حزب آبی و سفید نیز ۵ وزارت‌خانه را در اختیار خواهد گرفت، حزب امید جدید ۴ وزارت‌خانه، حزب کارگرو مرتص هر کدام ۳ وزارت‌خانه و اسرائیل خانه‌ما دو وزارت‌خانه و ریاست کمیته دارایی کنست را به دست می‌آورد. بدین ترتیب جناح راست کابینه تغییر روی هم‌رفته ۷ وزارت‌خانه، جناح میانه ۱۲ وزارت‌خانه و جناح چپ تنها ۶ وزارت‌خانه را به دست خواهند آورد. البته در روزهای آتی با مشخص شدن ریاست دیگر کمیته‌های راهبردی کنست (از جمله کمیته دفاعی و روابط خارجی) نگاه دقیق‌تری به دستاوردهای احزاب مختلف این کابینه می‌توانیم داشته باشیم.

طبق ترتیبات اعلام شده، بنت تا سپتامبر سال ۲۰۲۳ نخست‌وزیر خواهد بود (۲ سال و سه ماه) و یائیر لاپید تا آن زمان جانشین نخست‌وزیر، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه خواهد بود. سپس این دو نفر جای خود را عوض خواهند کرد. بنی گانتز همچون گذشته وزیر دفاع خواهد بود و وزارت‌خانه مهم دارایی به آویگدور لیبرمن خواهد رسید. گیدئون صعیر وزیر دادگستری می‌شود و «مراو میخائیلی»، رهبر حزب کارگرو به عنوان وزیر حمل و نقل در کابینه کار خواهد کرد. «نیتزان هورویتز»، رهبر حزب مرتص نیز وزارت بهداشت را در اختیار خواهد گرفت.

«آپلت شکد» و «متان کاهانا» دیگر اعضای حزب یامینه‌ها به ترتیب به وزارت‌خانه‌های کشور و امور مذهبی خواهند رفت. «یفات شاشا بیطون» و «یوعز هندل» نیز از حزب امید جدید وزارت‌خانه‌های آموزش

و پرورش و ارتباطات را در اختیار می‌گیرند. از این حزب «ژئو الکین» نیز قرار است به عنوان وزیر فعالیت کند، اما هنوز مشخص نشده به کدام وزارت‌خانه خواهد رفت. از حزب اسرائیل خانه‌ما «الی آویدار» به عنوان وزیر توسعه نقب و جلیل فعالیت خواهد کرد و «اودد فور» نیز به عنوان رئیس کمیته پرنفوذ دارایی کنست برگزیده خواهد شد. «کارین الحارار»، «اورنا باربی‌وای»، «الزار استرن»، «یوعز رازوزو» و «مروا کوهن» همگی



از حزب یش عتید به ترتیب عهده‌دار وزارت‌خانه‌های فرهنگ، اقتصاد، مسکن، انرژی و برابری اجتماعی خواهند شد. «میکی لوی» نیز به زودی به عنوان وزیر معرفی خواهد شد. «مئیر کوهن» نیز قرار است به عنوان رئیس جدید کنست انتخاب شود. از حزب آبی و سفید «پینا طامانو شطخ»، وزیر جذب مهاجران، «خیلی طروپر»، وزیر ورزش، «آلون شوستر» وزیر کشاورزی خواهند بود. وزارت‌خانه «مخال بیطون» نیز به زودی تعیین خواهد شد.

«عمر بارلو» نیز دیگر وزیر حزب کارگرو خواهد بود و به وزارت‌خانه امنیت داخلی خواهد رفت. از بین «گیلعاد کاریو» و «امیلی موعاطی» هم حزب کارگرو یک تن را برای تصدی وزارت امور دیاسپورا انتخاب خواهد کرد. همچنین حزب چپ‌گرای مرتص نیز دو وزارت‌خانه دیگر به دست آورده که عبارتند از همکاری‌های منطقه‌ای و حفاظت از محیط زیست، «عیساوی فرج» که اصالت عربی دارد و «تامار زاندرگ» به ترتیب مأمور اداره این دو وزارت‌خانه خواهند بود.

این درحالی‌ست که ترکیب کابینه امنیتی جدید به نفع راست‌گرایان تنظیم شده است. کابینه امنیتی که برای مسائل حاد امنیتی تصمیم‌گیری می‌کند، باید حداکثر

شدت افزایش دهد و ابتکار عمل را از این کابینه بگیرد.

### ۲- اختلافات درونی زیاد

با وجود این‌که مخالفت با نتانیاهاو، جناح‌های مختلف چپ، راست و میانه را در سپهر سیاسی اسرائیل به یک‌دیگر نزدیک کرده، اما به نظر می‌رسد در صورت تشکیل چنین کابینه‌ای رفته‌رفته اختلافات میان جناح‌های مختلف آن افزایش خواهد یافت. مدیریت کردن اختلافات درون کابینه‌ای که از حزب مرتص تا احزاب راست‌گرایی مانند یامینه‌ها و امید جدید را دربر گرفته بسیار دشوار است و سران این کابینه برای پیش‌گیری از چنین وضعیتی نیازمند تعیین اصولی برای حل و فصل اختلافات احتمالی هستند. اما به‌طور قطع نمی‌توان انتظار داشت که همه مسائل درپیش را بتوان از این طریق حل کرد. به‌طور مثال اگر کابینه وحدت ملی بخواهد با طرف‌های فلسطینی مذاکرات صلح را ادامه دهد، قطعاً برداشته‌های نفتالی بنت و صعیر با دیدگاه‌های لاپید و گانتز متفاوت خواهد بود. با اگر درگیری میان عرب‌ها و یهودیان به وقوع بپیوندد احزاب عربی که در بزنگاه تأسیس کابینه ازان حمایت کرده‌اند، می‌توانند با کمک نیروهای مخالف کابینه وحدت ملی را ساقط کنند.

### ۳- بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بی سابقه

در دو سال گذشته سرزمین‌های اشغالی همواره بحران‌های زیادی را تجربه کرده‌اند؛ از بن‌بست تشکیل کابینه گرفته تا بحران سلامتی ناشی از کرونا و نیز بحران اقتصادی متعاقب آن. اگرچه رژیم صهیونیستی یکی از پیش‌روترین واحدهای سیاسی در زمینه واکسیناسیون شهروندان خود به شمار می‌آید، اما پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم کرونا به شدت دامن این رژیم را گرفته است. افزایش شمار تلفات و هزینه‌های عمومی به دلیل شیوع کرونا و نیز افزایش شدید بیکاری در سرزمین‌های اشغالی از جمله این عوارض به شمار می‌آیند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد همان‌طور که لاپید در نخستین سخنانی خود پس از مأمور شدن به تشکیل کابینه اعلام کرده، اسرائیل در سال‌های اخیر همواره در بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در نوسان بوده است. در این میان نداشتن قانون بودجه باعث شده میزان کسری بودجه در سال‌های اخیر فعلاً از نظر عموم پنهان بماند و قابل محاسبه دقیق نباشد، اما وقتی کابینه احتمالی آتی بخواهد قانون بودجه را تصویب کند، عوارض سه سال فعالیت بدون قانون مصوب کابینه‌های نتانیاهاو نیز بر اقتصاد رژیم خودنمایی خواهد کرد. از این رو کابینه بنت - لاپید کار بسیار دشوارتری از نتانیاهاو در پیش دارد.





به گزارش ایرنا از خبرگزاری «شهاب» فلسطین، منابع صهیونیستی اعلام کردند: بزرگی این آتش سوزی به قدری است که ساکنان منطقه وادار به تخلیه شهرک‌های نزدیک به محل آتش‌سوزی شدند.

یک گروه بزرگ از نیروهای امدادی به محل اعزام شده اند که رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند که ۶ هواپیمای مخصوص اطفای حریق و بیش از پانزده آتش‌نشان در تلاش برای اطفای حریق هستند.

در تصاویر منتشر شده در رسانه‌ها این هواپیماها در تلاش برای خاموش کردن آتش هستند، اما همچنان این شهرک‌ها در آتش می‌سوزد و نیروهای آتش‌نشانی نتوانسته‌اند، آتش را خاموش کنند.

درگفت‌وگو با فریدون مجلسی مطرح شد:

اسرائیل به فشارهای رسانه‌ای اهمیت نمی‌دهد

مشکلات دادگاهی و فساد مالی خود است و با این ترفند عجتاً پوششی بر آن کشیده است. از سویی دیگر نتانیاهو مخالف هرگونه توافق میان ایران و طرف‌های اروپایی و آمریکا دربارهٔ بازسازی برجام است و با پاسخ‌گویی شدید به حملات موشکی حماس کوشید خشم جمهوری اسلامی را برانگیزد که شاید بتواند ادامهٔ مذاکرات و تفاهم در وین را متوقف کند. نتانیاهو به اهداف دیگر رسید؛ اما مذاکرات وین ادامه یافت.

**ارزیابی شما از موضع رسمی بایدن در این باره چیست؟**  
به هرحال آمریکا قطعاً آرزومند پایان درگیری‌هاست، زیرا حفاظت از اسرائیل برای آن کشور هزینهٔ سنگینی دارد و در روابط آمریکا با کشورهای منطقه نیز



تأثیر زیان‌بخش خواهد داشت. موضع واقعی و عملی دولت دموکرات وادارکردن اسرائیل به حفظ آتش‌بس و ترغیب حماس و حامیانش به سازگاری با قطعنامه‌های شورای امنیت دربارهٔ تشکیل دولت فلسطین به پایتختی قدس شرقی و مذاکرات دربارهٔ جبران خسارات است.

**برخی یکی از اهداف نتانیاهو را هم‌زمان با شروع و شدت بخشیدن به تنش‌ها در غزه، وادار ساختن ایران به واکنش شدید می‌خوانند، واکنشی که اگر**

وارد شده و با قطع برق و آب و آواره‌شدن هزاران نفر، گذشته از خسارت‌های مادی مهیب، وضعیت زندگی مردم و ترمیم طولانی و پرهزینهٔ آن زمان‌بر است. اسرائیل چنین مسائلی ندارد. از این دیدگاه بازندهٔ بزرگ‌تر غزه است. اما قطعاً حماس می‌داندست که وارد جنگی نابرابر و از لحاظ فنی بازنده، می‌شود و این خرابی‌ها و آوارگی‌ها قابل پیش‌بینی بود و پیش‌تر هم تجربه شده است. اما حماس و حامیانش اعتقادات ایدئولوژیک متفاوتی دارند و نمایش مقاومت ۱۱ روزه و نیز به هدف‌نشاندن تعدادی از موشک‌ها و قبول آتش‌بس از سوی اسرائیل را پیروزی خود تلقی می‌کنند.

اسرائیل هم که هدفش به چالش کشاندن حماس و تخلیهٔ زرادخانهٔ موشکی در جنگی فرسایشی است

با پایان آتش‌بس، حالا اسرائیل و حماس هر دو مدعی پیروزی درگیری‌ها شده‌اند. به نظر شما پیروز تاکتیکی جنگ غزه کدام طرف بود؟

اگر با جنگ و خون‌ریزی مخالف باشیم، باید بپذیریم که جنگ اصولاً برنده ندارد. چیزی را که با قتل و جنایت حاصل شود چگونه می‌توان برد دانست؟ اما به‌هرحال جنگ رخ می‌دهد. یکی کمتر می‌بازد و یکی بیشتر. باید دید کدام طرف در این فاجعهٔ بیشترین باخت را داشته است. اسرائیل به بهانهٔ حکم دادگاه دربارهٔ دعوای مالکیت قدیمی ساکنان یکی از حملات قدس را از خانه‌هایشان بیرون انداخت. ممکن است ادعا درست باشد و در زمان جنگ داخلی خانه‌های تعدادی یهودی نیز در قدس شرقی تصرف شده باشد؛ اما باید توجه داشت که صدها هزار خانهٔ فلسطینیان در بخش‌های دیگر اسرائیل مصادره و تصرف شده است. به هرحال در شرایط بحرانی دست زدن به چنین اقدامی تحریک‌آمیز بود. در قدس جوانان با تظاهرات اعتراض کردند؛ اما در غزه، حماس که به زرادخانهٔ موشکی بزرگی مجهز شده است، پس از ماه‌ها تهدید، زمان را از لحاظ تبلیغات بین‌المللی علیه عملکرد اسرائیل، مناسب تشخیص داد و بارانی از موشک‌های گوناگون به سمت اسرائیل رها کرد. بیشتر این موشک‌ها که بیش از ۱۷۰۰ فروند گزارش شده است، به دام گنبد دفاعی آهنین اسرائیل افتاد، اما ثابت شد که حتی فرودگاه بن‌گوریون و نقاطی در حیفا و تل‌آویو مصونیت کامل نداشته است و متحمل خسارات جانی و مالی شده است.

اسرائیل نیز متقابلاً به موشک باران و بمباران هوایی و دریایی پرداخت و بیش از دویست نفر از مردم عادی، اعضا و سران حماس کشته و مراکز صنعتی آب شیرین‌کن، تولید برق و خانه‌های بسیاری را ویران ساخت. اگر برد و باخت را در مقایسهٔ این آمارها بگیریم، قطعاً طرفی که متحمل خسارات جانی و مالی و آسیب‌های رفاهی بیشتری شده بازندهٔ بزرگ‌تر است. از این لحاظ بدون تردید خسارات بیشتر به غزه

**به راه انداختن این نزاع و امنیتی کردن فضای داخلی این رژیم تا چه حد به نفع نتانیاهو خواهد بود؟**

نتانیاهو از شعار نابودی اسرائیل و تشبیه آن به نوعی هولوکاست استفادهٔ تبلیغاتی می‌کند و از حمایت غرب برخوردار است. از طرفی نتانیاهو درگیر

**رخ می‌داد برهم خوردن معادلات در پای میز مذاکره با غرب را در بر داشت. به نظر شما این دیدگاه تا چه حد درست است؟**  
خویش‌تن‌داری جمهوری اسلامی نشان‌دهندهٔ ادامهٔ راه خشونت‌زدایی و بازگشت ایران به عرصهٔ تجارت و روابط بین‌المللی و حل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه است. ایران توانایی وارد کردن ضربات بازدارنده را دارد، اما قطعاً پیش‌گیری از زیان‌های ناشی از ضربات و آسیب‌های متقابل و حفظ آرامش و آسایش مردم برایش اولویت دارد.

**حمایت قدرت موشکی حماس چه نقشی در پایان درگیری‌های ۱۱ روزه داشت؟**

بیشترین عامل پایان درگیری ناشی از فشار بین‌المللی خصوصاً از سوی مصر و آمریکا بود. اسرائیل خواهان نابودی هرچه بیشتر تسلیحات و مراکز تدارکاتی و اداری حماس بود و هنگامی به آتش‌بس تن داد که به اهداف نسبی خود رسیده بود. حماس با امکاناتی که در اختیار داشت می‌جنگید و در آن زمان امکان کمک تسلیحاتی بیش‌تر از طرف حامیان حماس وجود نداشت.

**انحصار رسانه‌ای هم در این دوره از تنش‌ها تا حدودی از حامیان تل آویو برداشته شده بود، به‌طوری که تصاویر ویدئویی و عکس‌های ارسالی از کرانهٔ باختری، قدس شریف و به‌ویژه محلهٔ الشیخ جراح، جهان را تکان داد. این واقعه چه تأثیری بر افکار عمومی در جهان داشت؟ آیا این تأثیربخشی را می‌توان یکی از عوامل آتش‌بس دانست؟**

اسرائیل به فشارهای رسانه‌ای اهمیت نمی‌دهد. اسرائیل به حمایت‌های ترامپ عادت کرده و گستاخ‌تر شده بود. البته اکنون در می‌یابد که حمایت غرب نیز حدودی دارد و لذا بیشتر تکیهٔ خود را برای کسب حمایت خارجی به بهره‌برداری از شعارهای نابود سازی اسرائیل گذاشته است.

**در پایان به نظر شما، سرانجام طرح الحاق کرانهٔ باختری و سازش‌کاری با اعراب چه خواهد شد؟**

به نظر من طرح الحاق کرانهٔ باختری به معنی نابودی کلی فلسطین است و در شرایط غیرجنگی کاربرد نخواهد داشت. این طرح را اسرائیل در زمان ترامپ به صورت به مرگ گرفتن برای به تب راضی کردن و کاستن از ادعاهای فلسطین و در میز مذاکره و برای چانه‌زنی ارائه کرده بود. تمایل اعراب به توسعهٔ اقتصادی و صنعتی به آن‌ها قدرت بیشتری می‌بخشد و برخی از آن‌ها خواهان دور شدن از ماجراهای جنگی هستند و سیاست تنش‌زدایی را ادامه خواهند داد. شعار نابودسازی اسرائیل برای جهان غرب و روسیه قابل قبول نیست و اقدام در آن مسیر به نظر من محافظه‌کارانه و اعتدالی به فاجعه نظامی شدیدتری منجر خواهد شد.

**فرشته نوری**  
کارشناسی علوم سیاسی ۹۶

**پیش‌مصاحبه:** درگیری امروزهٔ حماس و اسرائیل شامل خسارت‌های سنگینی برای هر دو طرف بود. این منازعه در میان منازعاتی که تا به اینجا رخ داده مخرب‌تر بوده است. پدیدهٔ هولناک و جان‌فرسای جنگ برای مردم در هیچ کجای جهان خوشایند نیست و سود آن تنها به سیاست‌مداران می‌رسد. درگیری اخیر میان رژیم صهیونیستی و حماس در غزه که آتش آن را اسرائیل برافروخت، نیز از این قضیه مستثنی نبود. در همین خصوص و برای تحلیل روند درگیری‌های اخیر با فریدون مجلسی، دیپلمات سابق وزارت خارجه و تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل، به گفت‌وگو پرداختیم.

با پایان آتش‌بس، حالا اسرائیل و حماس هر دو مدعی پیروزی درگیری‌ها شده‌اند. به نظر شما پیروز تاکتیکی جنگ غزه کدام طرف بود؟

اگر با جنگ و خون‌ریزی مخالف باشیم، باید بپذیریم که جنگ اصولاً برنده ندارد. چیزی را که با قتل و جنایت حاصل شود چگونه می‌توان برد دانست؟ اما به‌هرحال جنگ رخ می‌دهد. یکی کمتر می‌بازد و یکی بیشتر. باید دید کدام طرف در این فاجعهٔ بیشترین باخت را داشته است. اسرائیل به بهانهٔ حکم دادگاه دربارهٔ دعوای مالکیت قدیمی ساکنان یکی از حملات قدس را از خانه‌هایشان بیرون انداخت. ممکن است ادعا درست باشد و در زمان جنگ داخلی خانه‌های تعدادی یهودی نیز در قدس شرقی تصرف شده باشد؛ اما باید توجه داشت که صدها هزار خانهٔ فلسطینیان در بخش‌های دیگر اسرائیل مصادره و تصرف شده است. به هرحال در شرایط بحرانی دست زدن به چنین اقدامی تحریک‌آمیز بود. در قدس جوانان با تظاهرات اعتراض کردند؛ اما در غزه، حماس که به زرادخانهٔ موشکی بزرگی مجهز شده است، پس از ماه‌ها تهدید، زمان را از لحاظ تبلیغات بین‌المللی علیه عملکرد اسرائیل، مناسب تشخیص داد و بارانی از موشک‌های گوناگون به سمت اسرائیل رها کرد. بیشتر این موشک‌ها که بیش از ۱۷۰۰ فروند گزارش شده است، به دام گنبد دفاعی آهنین اسرائیل افتاد، اما ثابت شد که حتی فرودگاه بن‌گوریون و نقاطی در حیفا و تل‌آویو مصونیت کامل نداشته است و متحمل خسارات جانی و مالی شده است.

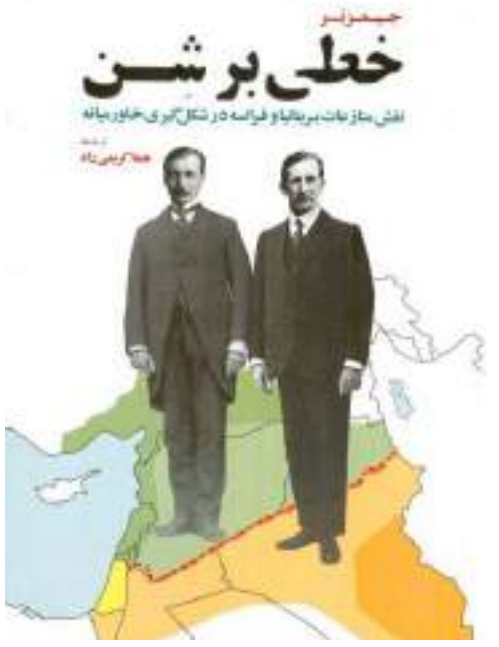
اسرائیل نیز متقابلاً به موشک باران و بمباران هوایی و دریایی پرداخت و بیش از دویست نفر از مردم عادی، اعضا و سران حماس کشته و مراکز صنعتی آب شیرین‌کن، تولید برق و خانه‌های بسیاری را ویران ساخت. اگر برد و باخت را در مقایسهٔ این آمارها بگیریم، قطعاً طرفی که متحمل خسارات جانی و مالی و آسیب‌های رفاهی بیشتری شده بازندهٔ بزرگ‌تر است. از این لحاظ بدون تردید خسارات بیشتر به غزه

خطی بر شن؛ نقش منازعات بریتانیا و فرانسه در شکل‌گیری خاورمیانه

نوشتهٔ جیمز بار، ترجمهٔ هما کریمی‌راد (انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷)

به‌گمانم بهره‌ر دانشجوی ساکن در خاورمیانه واجب است که خطی بر شن را بخواند.

۱) نویسنده حتی نشان می‌دهد که لندن، برخلاف پاریس از اکتشافات نفتی آلمانی‌ها در اطراف موصل خبر داشت، از این رو خطی که قرار بود عراق و سوریه را از هم جدا کند، به نحوی ترسیم کرد که موصل در عراق جای بگیرد؛ کشوری که طبق پیمان تحت نفوذ و حاکمیت انگلستان قرار می‌گرفت.



**محمد شمس‌الدین عبداللہی نژاد**  
دانش‌آموختهٔ دکترای علوم سیاسی

A Line in the Sand: Britain, France and the Struggle that shaped the Middle East by James Barr  
(۲۰۱۱) Publisher: Simon & Schuster Ltd; UK

«نبرد ۲۰۱۴ اسرائیل و غزه»، «پایان تکراری جنگ اسرائیل و حماس، و آیندهٔ راهکار تک‌دولتی»، «ادامهٔ جنگ بین حماس و اسرائیل» و ...

این‌ها چند نمونه از عنوان خبر و تحلیل رسانه‌های فارسی‌زبان غیرایرانی دربارهٔ تحولات فلسطین است؛ گرچه این تیترا معانی متفاوتی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کنند اما کانون پیام نانوخته‌شان یک چیز است: فروکاست یک کشمکش خونین صد ساله به درگیری یک «دولت» با یک «گروه شبه‌نظامی».

از رسانه‌هایی که بوجه و دستورکارشان را نهادهای بالادستی درواشنگتن و لندن تعیین می‌کنند نمی‌توان انتظار یک تحلیل تاریخی و منصفانه داشت، اما این رویکرد میان بسیاری از ایرانیان نیز به چشم می‌آید. برخی از ما بی‌آن‌که حتی چند سطر دربارهٔ پیمان محرمانهٔ سایکس-پیکو بدانیم، یا آگاه باشیم که نخستین قربانیان گروه‌های توریستی یهودی در «آرض مقدس» انگلیسی‌ها بوده‌اند، خیلی زود به سراغ این می‌رویم که دریا به‌بالاخره هر موشک یا راکتی که فلسطینیان به‌سوی شهرک‌نشینان صهیونیست پرتاب می‌کنند، چقدر «آب خورده؟». یا ممکن است از دیدن تیتربی‌سابقهٔ نیویورک‌تایمز ذوق‌زده شویم که در کنار تصویر ۶۷ کودک کشته‌شدهٔ فلسطینی در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل نوشته بود: «آن‌ها فقط کودک بودند». جدال دیرینه و خون‌بار میان فلسطینی‌ها و

یهودی‌های مهاجر به فلسطین، ریشه در تاریخ دارد؛ تاریخی به درازای ادیان ابراهیمی، اما نزدیک‌ترین رویداد تعیین‌کنندهٔ صد سال اخیر، پیمان محرمانهٔ مارک سایکس (درگذشته به سال ۱۹۱۹) به نمایندگی از انگلستان، و جرج پیکو (درگذشته به سال ۱۹۵۱) به نمایندگی از فرانسه است. این دو دیپلمات که کشورهایشان مشتاق فروپاشی امپراتوری عثمانی بودند، پس از کش‌وقوس‌های فراوان، سرنوشتهٔ خاورمیانهٔ امروز را در لندن و پاریس رقم زدند. فرانسه و انگلیس پیش‌تر یعنی در ۱۹۰۴، به حاکمیت (!) یکدیگر بر مصر و سودان و مراکش به توافق رسیده بودند (ص ۳۱)، اما این بار پای نفت و تسلط بر کانال سوئز (صفحات ۹۴، ۱۱۰، ۲۰۳، ۲۵۴) مطرح بود. گرچه تکاپوی توماس ادوارد لورنس (که فیلم مشهور لورنس عربستان در ۱۹۲۲ با اقتباس از اقدامات او ساخته شد) دست بریتانیا را در تعامل با ساکنان این منطقه پیش انداخت، اما سرانجام دیپلمات‌های انگلستان و فرانسه بی‌اعتنا به وعده‌های توحالی لورنس به شریف حسین حاکم شورش‌ی مکه، تصمیم گرفتند شبه‌جزیرهٔ عربستان، سوریه، عراق، لبنان و فلسطین را در مه ۱۹۱۶ (اردیبهشت ۱۳۹۵) میان خود تقسیم کنند.

جیمز بار، نویسندهٔ انگلیسی خطی بر شن با اتکا بر اسناد دیپلماتیک می‌کوشد جدال انگلستان و فرانسه را این‌بار نه در خاک اروپا بلکه در بیابان‌ها، کوه‌ها، شهرها و روستاهای عراق و سوریه و فلسطین به تصویر بکشد. او نشان می‌دهد چگونه سودای دستیابی به نفت و کنترل کانال سوئز موجب شد منازعه‌ای پدافند در این منطقه شکل بگیرد. اما بخش مهم کتاب دربارهٔ شکست نسبتاً پرتلفات و تحقیرآمیز انگلیسی‌ها در جنگ با توریست‌های یهودی گروه‌هایی همچون ایرگون، هاگانا و باند

## کورئیدا؛ کن لوچ سینمای ژاپن



مریم رحیمی

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۸

سینمای ژاپن از همان آغاز شکل گیری کارگردانان بزرگی را پرورش داده و به جهانیان معرفی کرده است. خیل عظیم کارگردانان کلاسیک ژاپن همچون کوروساوا، اوزو، کوبایاشی و... گواه این ادعاست. بزرگی هنر این هنرمندان به قدری است که مشهورترین کارگردانان هالیوودی از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌اند و همین تأثیرپذیری فیلم‌های آن‌ها را جذاب و عالم گیر کرده است. هرعاشق سینمایی که آن را نه برای تفریح بلکه برای فهم و آموزش دنبال می‌کند، برای اینکه فرآیند یادگیری‌اش کامل باشد باید آثار بزرگان سینمای ژاپن را ببیند. این پیورش نسل کارگردانان فقط در نسل یک و دو اتفاق نیفتاده؛ بلکه در همین دوران معاصر هم ژاپن به لحاظ کارگردان غنی است. بازرتین فرد این نسل، هیروکازو کورئیداست. او که متولد ۱۹۶۲ است با داشتن حدود ۹ فیلم در کارنامه، هم گزینه کار است و هم مضامین مرتبط به هم را پیگیری می‌کند و در کل آثارش قرار است یک مانیفست مشخص را بازگو کند.

پنج فیلم آخرش مانیفست او را بیشتر نمایان می‌کنند. در فیلم‌های او خانواده نقش پررنگی ایفا می‌کند و وقایع اصلی فیلم حول خانواده اتفاق می‌افتد. آثار کورئیدا به لحاظ درون‌مایه شبیه به آثار کن لوچ فیلم‌ساز انگلیسی است. و عموماً مسائل مدرنیته، فقر، پدرسالاری و... را در جامعه ژاپن نشان می‌دهد. در واقع او مسائل جهانی را در فیلم‌هایش بومی‌سازی می‌کند تا درک آن برای مردم و جامعه ژاپن بیشتر قابل فهم باشد.

از موفق‌ترین آثار او می‌توان به فیلم‌هایی چون پسرکو ندارد نشان از پدر، درزان فروشگاه، همچنان قدم زنان، هیچ‌کس نمی‌داند و خواهر کوچک ما اشاره کرد.

تمامی این آثار در ژاپن امروزی روایت می‌شوند و روایت‌گر زندگی طبقهٔ متوسط و پایین جامعه هستند. مهم‌ترین گره و مشکل این خانواده‌ها درگیری پنهان آن‌ها با مدرنیته و سرمایه‌داری به معنای عام کلمه است.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که تمامی فیلم‌های کورئیدا پراز مفاهیم انسانی و اجتماعی است که نوشتن از آن‌ها به چندین صفحه از این نشریه نیازمند است اما من به بررسی موردی دوتا از آن‌ها می‌پردازم و بحث را پایان می‌دهم:

**۱: هج کس نمی داند:** در این فیلم ما با یک درام جذاب با محوریت زندگی کودکان فقیر مواجه هستیم که می‌تواند نمونهٔ عالی‌تر فیلم کفرناحوم باشد. در جامعه شناسی آموزش و پرورش گفته شده که کودکان طبقهٔ پایین نسبت به کودکان طبقهٔ بالا قدرت بیان و تشریح مسائل ضعیف‌تری دارند؛ شاید به لحاظ کیفیت کلمات کاربردی همین‌گونه باشد اما به لحاظ قدرت و استفادهٔ خلاقانه از محدودیت‌ها و گذران مشکلات زندگی به مراتب بالاترند و زودتر از همسالانشان بالغ می‌شوند و با واقعیات تلخ و شیرین زندگی آشنا می‌شوند. این واقعیت‌ها خیلی از اوقات از نظرگاه تودهٔ مردم که از بیرون به زندگی نگاه می‌کنند، پنهان باقی می‌ماند و آنچه نمایان می‌شود وجه کریه و زشت آن است.

**۲: همچنان قدم زنان:** در این فیلم شما زمان را احساس نمی‌کنید و در زندگی روزمرهٔ یک خانواده ژاپنی که هم نیمه سنتی و هم نیمه مدرن است غرق می‌شوید. مهم‌ترین مؤلفه‌های این اثربخارت‌اند از: خانواده، ارتباط عاطفی، ارتباط نسبی و سببی، سنت و مدرنیته، فردگرایی و جمع‌گرایی و غم و شادی. تک تک اعضای خانواده پرسوناژ مستقل خود را دارند و هرکدام یک طیف از جامعهٔ انسانی را نمایندگی می‌کنند. تلفیق خانواده سنتی متشکل از پدر و مادر مسن و خانوادهٔ مدرن فرزندان که هرکدام در شهرهای جداگانه‌ای زندگی می‌کنند، به‌خوبی صورت گرفته است.



### پخش فوتبال به سینماها جان تازه می‌بخشد؟

سخنگوی انجمن سینماداران تاکید می‌کند که در این روزهای کرونایی، پخش مسابقات تیم ملی فوتبال در سالن‌های سینمایی به رونق سینماها کمک می‌کند.

در حالی که پلیت فروشی در سینماها برای تماشای مسابقه‌های فوتبال در مرحله مقدماتی جام جهانی در برخی سایت‌های فروش پلیت آغاز شده است، محمدرضا صابری در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: برای انجام این کار نامه‌نگاری‌هایی با سازمان سینمایی انجام شده و سینماداران درخواست کرده‌اند که مجوز پخش فوتبال در سینما صادر شود.

وی با بیان این‌که «هنوز جوابی به این درخواست داده نشده و منتظریم تا پاسخ آن را در روزهای آینده بگیریم»، گفت: پخش فوتبال در سالن‌های سینما در سال‌های گذشته هم انجام می‌شد، اما الان شرایط فرق دارد و در حال حاضر یکی از بهترین راه‌ها برای اینکه مخاطب متوجه شود سینماها باز هستند و شرایط مناسبی به لحاظ رعایت پروتکل‌های بهداشتی دارند، همین پخش فوتبال در سینماها است.

دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و شش / نیمهٔ اول خرداد ۱۴۰۰

## تیپ‌شناسی نمایش سیاه‌بازی

شاه: با سیبل بلند و بناگوش در رفته، بلند قد و چاق است. نشسته بر تخت پادشاهی و پرهیبت است و دو نیزه‌دار نیز در دو طرف او قرار دارند. پرادعا، خودستا و بی‌رحم است و هر عملی را بدون اندیشه و تفکر انجام می‌دهد. او کودن، تنبل، تن‌پرور و به دروغ مدعی رشادت و شهامت و شجاعت است. معمولاً در برابر سیاه قرار می‌گیرد و گاه در یک مجلس چند بار دستور گردن زدن سیاه را می‌دهد اما در نهایت مغلوب او می‌شود وپی در پی در برابر جمع مورد استهزای او قرار می‌گیرد.

وزیر: لباس فاخر و ردای بلند و زیورآلات و چکمه و کلاه وزارت دارد. چاق، چاپلوس، متملق و دسیسه باز است. او بهترین وسیلهٔ در دسترس سیاه برای خندانن شاه و تماشاگران و گرفتن جواز ورود به حریم پادشاه است. چون شوخی با او برای شاه شادی‌آور است و برای همین مورد حمایت شاه است. وزیر معمولاً کینهٔ سیاه را به دل دارد.

در این نمایش اشخاص دیگری هم مانند میرغضب و ملا و... نیز حضور دارند. معمولاً بازیگر سیاه در یک یا دو تیپ تبحر پیدا می‌کند. در سیاه بازی جدال میان تیپ‌ها در قهصه‌های تکراری و بداهه پردازی دقیق و نکته سنجانه موجب تازگی و ارتباط با تماشاگر می‌شود. از بازیگران برجسته نقش سیاه می‌توان به مرحوم سعدی افشار اشاره کرد.

در آخر نمونه‌ای کوتاه از متن یکی از نمایش‌های سیاه بازی را مرور می‌کنیم:

میرزا: برو دختره رو از مدرسه بیار فقط حواست باشه توی راه حرفی بهش نزنیا.

مبارک: مگه بچه‌ام آقا؟ آگه بهش بگم که بابات می‌خواد تو رو شوهر بده ممکنه ناراحت بشه.

میرزا: بارک الله، به یه زبونی بیارش خونه، خودم بهش می‌گم.

مبارک: مبارک! اصلاً یه چیز ی بهش میگم که بدو بدو بیاد.

میرزا: آفرین، یه چیز ی بهش بگو که بدو بدو بیاد. چی می‌خوای بهش بگی؟

مبارک: بلام آقا، می‌گم فرنگیس مشتلق بده.

میرزا: فرنگیس مشتلق بده.

مبارک: یه خبر خوش.

میرزا: یه خبر خوش .

مبارک: به آرزوت رسیدی.

میرزا: به آرزوت رسیدی.

مبارک: از این بهتر نمی‌شد.

میرزا: از این بهتر نمی‌شد.

مبارک: می‌گه چی شده؟

میرزا: می‌گه چی شده؟

مبارک: می‌گم بابات مرد.

میرزا: میگی بابات مرد( متوجه حرف مبارک می‌شود ) خودت بمیری، جوون مرگ شده. من تا هفتاد تا مثل تورو کفن نکنم جون به عزرائیل نمی‌دم.

منبع: نظریهٔ نمایش سیاه بازی نوشتهٔ محسن سراجی



محمدرضا خطیب

کارشناسی ارشد کارگردانی

نمایش سنتی سیاه‌بازی نه‌تنها یک نمایش بلکه یک آیین برآمده از جشن‌ها و جشنواره‌هایی نظیر«میر نوروزی»، «کوسه برنشین» و ... است که بخشی از هنرعوام، نه فقط به قصد سرگرمی اجرا می‌شد بلکه مرد سیاه‌باز چه‌بسا ناآگاهانه صاحب قدرت و ثروت و جاه و مقام و حتی شاه و وزیر را به مضحکه می‌کشاند و موجب خنده و قهقههٔ تماشاچیان می‌شد. نمایش سیاه‌بازی از اواسط دورهٔ قاجار و ناصری به تقریب اوج گرفت. معمولاً اعیان و اشراف از حامیان این گروه‌های نمایشی بودند و بیش‌تر در مجالس عروسی و برروی یک تخت که وسط حیاط بر حوضی قرار می‌گرفت، اجرا می‌شده و باعث سرگرمی و شادی مهمانان بوده است. صحبت بر روی پیشینه و طریق شکل گیری و ریخت شناسی این نمایش خود مقالهٔ دیگری می‌طلبد. ما در این مقاله قصد داریم به تیپ‌های موجود در نمایش بردازیم و به طور مختصر با اشخاص این نمایش آشنا شویم و نمونه‌ای از متن این نمایش را نیز از نظر بگذرانیم. نمایش سیاه بازی به صورت کاملاً بداهه اجرا می‌شود و معمولاً با پیش‌پرده خوانی یا خوش‌آمد گویی آغاز می‌شود. گروه از قبل قصه را تعیین کرده و به صورت بداهه اجرا می‌کند. اشخاص نمایش و خط داستانی تقریباً ثابت است اما تکه‌کلام‌ها و شوخی‌ها از هر مجلس و با توجه به صنف یا طبقهٔ تماشاگرها تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال در خوش‌آمد گویی یا پیش‌پرده خوانی معمولاً بازیگر با چند سؤال و جواب از تماشاگرها می‌تواند بفهمد که با چه طیف از مخاطب روبه رو است تا شوخی‌ها را با ذوق آن‌ها تنظیم و اجرا کند. این خود نشان از قدرت بداهه و سختی کار بازیگران نمایش سیاه بازی دارد. برای مثال اگر مشخص شود که تماشاگرها بیشتر از طیف تجار هستند، سعی می‌شود بازی به سمتی برود که شخصی تاجر در نمایش نشان داده شود یا با تاجرها و مسائل مربوط به آن‌ها شوخی شود.

تأکید اصلی نمایش برروی تیپ سیاه است. تپیی که تا حدودی ایدهٔ اولیهٔ آن برگرفته از برده‌های سیاهی بوده است که از آفریقا به دربار قاجار راه پیدا کرده بودند و معمولاً در گفتار به زبان فارسی مشکل داشته‌اند و این خود باعث ایجاد لحظات کمدی می‌شده. نمایش سیاه بازی معمولاً در فضایی شناخته شده و آشنا برای تماشاگر و با تیپ‌هایی ملموس و در دسترس اجرا می‌شده که گاهی همهٔ آن‌ها یا چند تیپ خاص در نمایش‌ها به طور ثابت حضور داشتند. این تیپ‌ها را به طور مختصر مرور می‌کنیم:

سیاه: معمولاً شخص لاغر، کوتاه، ریزنقش و سیاه چهره و مظلوم است. سیاه شلوار قرمز رنگ با پچه‌های گشاد کش‌داری می‌پوشد و پیراهن قرمز گشادی را روی

شلوار می‌اندازد که با جلیقهٔ قرمزی روی آن و کلاه بوقی استوانه‌ای کوتاه تکمیل می‌شود. از ویژگی‌های سیاه می‌توان به صدای نازک چیخ مانند، زیرکی، کودن نمایی، نکته پردازی، گستاخی، آمادگی بدنی، توان جسمی بالا و تخصص در برخی رقص‌ها و حرکات خاص اشاره کرد. سیاه، مهربان، زودرنج، حساس و حاضر جواب، ستم کشیده، مظلوم و مقاوم است و نام‌های متعددی چون مبارک، الماس، یاقوت، سیاه، غلام، فیروز، زمرد، شیرنگ و.. دارد. سیاه معمولاً سربه سرحاجی می‌گذارد و اکثراً خساست یا لجبازی حاجی را به رخ می‌کشد و با آن شوخی می‌کند. اشتباه ادا کردن کلمات از ویژگی‌های بارز سیاه است. سیاه سعی دارد با گوشه و کنایه و بازیگوشی، شاه یا حاجی را متوجه اشتباه یا زشتی کار خود بکند.

حاجی یا میرزا: بازیگر مقابل سیاه است؛ چهره‌ای به ظاهر مقبول دارد. معمولاً ردای بلند، شلوار مشکی، کلاه تیره و گیوه می‌پوشد. بازاری است و عصا به دست دارد و ادعای ایمان و مسلمانی می‌کند. اهل ربا، احتکار و گران فروشی بوده، پولدار و خسیس است. ارتباط عاطفی و نزدیکی با خانواده خود ندارد و آن‌ها اکثراً از او شاکی هستند. سیاه را استعمار کرده، ظالم است و ظلم او شامل خانواده، همکاران و دوستان نیز می‌شود. سیاه او را به مسخره می‌گیرد و تنها کسی است که جرئت دارد وارد حریم شخصی او بشود و لج او را در بیاورد.

زن حاجی : زنی است سنتی، مطیع و تابع حاجی یا میرزا که گاه با دخترش همراه می‌شود و به خاطر او در برابر حاجی می‌ایستد. لباس سنتی، شلیته و شلوار می‌پوشد و روسری به سر دارد. میانسال است و با حاجی اختلاف سن دارد.

دختر حاجی: جوان و دم بخت است. معمولاً بین خواستهٔ او و ارادهٔ حاجی اختلاف وجود دارد؛ به گونه‌ای که او دلباختهٔ جوانی ساده، بی‌پول و فعال است اما حاجی با او موافق نیست و پیرمردهای پولدار را پیشنهاد کرده و یا او را مجبور به ازدواج با آن‌ها می‌کند. او جوانی رویایی و فعال است. لباس‌های سنتی می‌پوشد اما به مدرنیته و عوامل آن چون تغییر پوشش یا زندگی عاشقانه علاقه‌مند است.

پهلوان: هیکل ستبر، کلهٔ کچل و سیبل بلند از ویژگی‌های اوست. ابتدا لباس آستین کوتاه و جلیقه و شلوار گشاد می‌پوشید که از اواسط دههٔ ۲۰ به بعد تبدیل به کت و شلوار مشکی، پیراهن سفید یقه باز و کلاه شاپو شد. او ادعای جوانمردی، شجاعت و بی باکی می‌کند که به طور معمول در طول نمایش خلاف آن اثبات می‌شود.

رمال: لاغر و تکیده است و ریش کوتاه و نامرتبی دارد. لباس‌های چند رنگ و نامنظم می‌پوشد. عینک ته استکانی می‌زند و لهجه‌های خاص و مضحک دارد. هیز و پول پرست، شیاد و کلاهبردار است و سر و کارش با زن‌هاست. اهل جادو و جمیل و رمل و اسطرلاب و سحر و بطلان سحر است و معمولاً نتیجهٔ کار او باعث برهم ریختن بیشتر اوضاع می‌شود.



<span><b>حמיד خادمی</b></span>
<div>دکتری ادبیات فارسی ۹۸</div>

رمان بادبادک‌بازیا کاغذپران‌بازدراصل انگلیسی The Kite Runner) اثر خالد حسینی نویسندهٔ افغانستانی‌الاصل ساکن ایالات متحده، ابتدا به زبان انگلیسی نوشته و منتشرو پس از چندی به فارسی ترجمه شد. دراین جستار به این موضوع می‌پردازیم که این اثر به کدام کشورو ادبیات تعلق دارد.

پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، از آنچه به نظر می‌رسد دشوارتر است. گاه ابعاد این مسائل آتقدّر از مرزهای ادبیات فراتر می‌رود که به موضوعاتی تقریباً لاینحل تبدیل می‌شود؛ مانند اختلاف دو کشور افغانستان و ترکیه بر سر مثنوی معنوی مولانا که پس از مدتی کشمکش در عرصهٔ بین‌المللی، بدون حصول نتیجهٔ قطعی به فراموشی سپرده شد. مثنوی مولانا مربوط به قرن‌ها پیش است و قبل از تقسیم بندی‌های جغرافیای سیاسی امروز و به وجود آمدن کشورهای مختلف در منطقه سروده شده؛ اما مواردی از قبیل رمان بادبادک‌باز، محصول جهان مدرن هستند. خالد حسینی، نویسندهٔ کتاب، زادهٔ کشور افغانستان است ولی چون در کودکی به همراه خانواده به ایالات متحده مهاجرت کرده فردی دوتابعیتی محسوب می‌شود. رمان به زبان انگلیسی و در امریکا منتشر شده

### جایزهٔ بوکر بین‌المللی به نویسندهٔ فرانسوی رسید

«دیوید دیوپ» به عنوان نخستین نویسنده فرانسوی موفق به کسب جایزه ادبی بوکر بین‌المللی ویژه برترین آثار داستانی ترجمه‌شده به زبان انگلیسی شد.

«شب‌ها همه خون‌ها سیاه است» نوشته «دیوید دیوپ» با ترجمه‌ای از «آنا مسکوواکیس» از فرانسوی به انگلیسی روایتگر داستان یک سرباز سنگالی است که در جنگ جهانی اول برای فرانسه مبارزه می‌کند.

این رمان که نخستین اثر ترجمه‌شده «دیوید دیوپ» به زبان انگلیسی است در رقابت با دیگر نامزدهای نهایی جایزه بوکر بین‌المللی امسال شامل «وقتی از فهمیدن دنیا دست می‌کشیم» از «بنجامین لاپاتوت» نویسنده اهل شیلی، «یادبودی از خاطرات» نوشته «ماریا استپانواا» نویسنده روسی، «جنگ بدبخت‌ها» نوشته «اریک وولیارد» با ترجمه «مارک پولیزوتی»، «کارمندان» نوشته «اولگار ریون» نویسنده هلندی با ترجمه «مارتین آتیکن» و «خطرات سیگار کشیدن در رختخواب» نوشته «ماریانا انریکز» نویسنده آرژانتینی با ترجمه «مگان مک داول» موفق به کسب جایزه بوکر بین‌المللی ۲۰۲۱ شد.

## بادبادک‌باز، سرمایهٔ ادبی افغانستان یا امریکا؟

عامل ملّیت نویسندهٔ اثر است. وضعیت نویسندگان دو تابعیتی مانند خالد حسینی پیچیده‌تر از نویسندگانی است که مهاجرت نکرده‌اند یا تنها یک گذرنامه دارند. این که نویسندهٔ مهاجر کماکان خود را شهروند کشور زادگاهش بداند یا نه، در قضاوت ما دربارهٔ تعلق اثر به یک ادبیات ملی خاص، نقش دارد. حسینی بیشتر عمر خود را در امریکا گذرانده و به نظر می‌رسد پیوند او با ریشه‌های ملی‌اش تا حدودی ضعیف شده است.

دومین عامل، میزان پذیرش اثر از سوی مخاطبان است. این که اثر در کدام یک از دو کشور تعداد بیشتری خواننده داشته و مورد اقبال عمومی گسترده‌تری قرار گرفته است هم در داوری ما تأثیر دارد. در مورد بادبادک‌باز اختلاف فاحشی میان استقبال مخاطبان از رمان در امریکا و افغانستان وجود دارد. کتاب در فضای امریکای پس از واقعهٔ یازدهم سپتامبر انتشار یافت و با استقبال گستردهٔ مردم روبه‌و شد. امریکائی‌ها می‌خواستند بدانند افغانستان کجاست و این ملت چطور زندگی و فکر می‌کند. جامعهٔ کتاب‌خوان افغانستان اما، روی خوشی به کتاب نشان نداد. شخصاً با چند دوست اهل افغانستان دربارهٔ رمان گفت‌وگو کردم. آن‌ها رمان را دوست نداشتند و معتقد بودند حسینی درک درستی از مردم زادگاه خود و فرهنگ و رسوم آنها ندارد. در نتیجه، می‌توان گفت که مخاطب این رمان بیشتر امریکائی‌ها هستند تا مردم

اما داستان آن، روایت افغانستان در دهه‌های اخیر است. با این اوصاف، این رمان جزئی از میراث ادبی امریکا است یا افغانستان؟ سرمایهٔ ادبی جهان فارسی زبان محسوب می‌شود یا جهان انگلیسی زبان؟

ابتدا باید ببینیم چه عواملی در نسبت دادن یک اثر به یک ادبیات ملی دخالت دارند. من این عوامل را به دو بخش درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم می‌کنم: در بین عوامل درون‌متنی نخستین- و شاید مهمترین- عامل، زبان اثر است. اثری که به زبانی خاص نوشته می‌شود به یک یا در نهایت چند کشور خاص محدود خواهد شد. در مورد بادبادک‌باز چون زبان اصلی اثر انگلیسی است در ترازوی داوری ما، کفهٔ ادبیات امریکا سنگین‌تر می‌شود. عامل دوم، موقعیت مکانی رویدادهای اصلی اثر است. این که داستان در کجا اتفاق می‌افتد در این قضاوت تأثیرگذار است. در این رمان، بیشتر وقایع در کشور افغانستان رخ می‌دهد. سومین عامل، ملّیت شخصیت‌های اصلی داستان است که در مورد بحث ما همگی اهل افغانستان هستند. عامل چهارم، درونمایهٔ اثر است. رمان بادبادک‌باز به تاریخ معاصر افغانستان و روابط میان اقوام مختلف این کشور می‌پردازد. همچنین، فرهنگ و آداب و رسوم این مردم در داستان نقش بسیار مهمی دارد.

عوامل برون‌متنی هم در نسبت دادن یک اثر به یک ادبیات ملی و یا یک کشور نقش دارند. در این بخش نخستین



حمید خادمی

دکتری ادبیات فارسی ۹۸

### در بزرگداشت ملک الشعراء بهار

### ((دماوند نشین))



در ادبیات معاصر عملا فرسوده و خالی از محتوا شد و تنها در وصف مرکب آهنین و مدح بی‌روح آخرین شاهان بی‌تبار و بعدها هم در جشنواره‌ها و شعوراره‌های مناسبتی به کار رفت، از سر تفتن یا قدرت‌نمایی در ردیف کردن قافیه و هجوی و طنزی حداکثر گزنده و تلخاشیرین در مجلات و نشریات روزآمد زمانه، و نه بیش ازین.

دربارهٔ زندگی پرپرا او سخن‌ها گفته و نوشته‌اند، بهار شاعر با دیوانی سترگ<sup>۳</sup> که اگر تنها میراث او بود باز هم برای اهمیت او در ادبیات این سرزمین کافی بود هر چند که دیوانش از انواع فرم‌های کلاسیک تا فرم‌های نسبتا جدید و حتی انواع سرگرم‌کننده نیز خالی نیست با این حال منسجم‌ترین اشعار در هر نوعش را می‌توان در کارهای او دید. **او تا مرزهای نوآوری هم پیش رفت اما نتوانست یا نخواست از**



دکتر محمدرضا فرهمند

دکتر ادبیات عرفانی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

دکتر ادبیات فارسی ۹۸

نوشت که من و تو از یاد نبریم براو و معاصرانش در آخرین دورهٔ گذار و در کشاکش دهر چه گذشت. امروز همهٔ این‌ها را می‌توان در آینهٔ آثار گوناگون او دید. او نمونهٔ مردی سخت‌کوش و چند ساحتی‌ست که تاریخ این سرزمین مانند او را کم به خود دیده است. از آن‌ها که به‌قول فردریکو گارسیا لورکا<sup>۴</sup>: زادنش دیر بخواهد انجامید، خود اگر زاده تواند شد....

وقتی بهار را از دریچهٔ خاطرات فرزندش؛ دکتر مهرداد بهار که اگر خود اسطوره‌ای دیگر نباشد اسطوره‌شناسی سترگ است؛ می‌نگریم مردی می‌بینیم سخت خسته و دل‌مرده که حتی توان شادکردن دل کودکانش را هم ندارد. مردی که برای فرزندانش اسطوره‌ای ست حجّ و حاضر و سخت دست‌نیافتنی، در خانواده‌ای که اگر صفای حضور و مهر مادر نمی‌بود، پدر و فرزندان در غم و اندوهی فرساینده غرق می‌شدند. او چنان در غم فرزندان این آب و ملک بود که فرصت نمی‌یافت کودکان خود را به مهر و عطوفت بنوازد ولی سایه حضورش کافی بود تا پشتوانهٔ محکمی باشد برای آنان تا در کنار این قلّهٔ سترگ بیالند و خودشان را تا دامنه‌های البرز ادب فارسی برکشند و به ساحتِ ماندگاری برسند و آثاری بیافرینند که تفسیر اسطوره‌های باارزش و باعظمت این سرزمین و فرهنگ کهنش باشد. **بهار مردی‌ست که اگر همهٔ مدرسه‌ها، دانشکده‌ها، احزاب، روزنامه‌ها و کوچه و خیابان‌ها را به نام او بنامیم و مزّین کنیم باز هم حقّ او را ادا نکرده‌ایم چرا که او در همه‌جا حضور دارد و مثل خضر هر جا پا نهاده سبز و بهاری شده است. یادش گرامی باد.**

این بار که به دماوند نزدیک شدید به دقت نگاهش کنید. آن بالا؛ در دامنه‌های بلندش بهار را خواهید دید که در بزم کی‌قیاد نشسته، با کی‌خسرو در باب حکمت ایرانی سخن می‌گوید و آرش را به ناز نگاه می‌نوازد و سخت مراقب است که ضحاک بند نگلسد و بار دیگر سر ازیر ایران زمین نشود. بهار را دماوند نشین گفتم. او بیش ازین‌هاست، او اکنون خود دماوند است.

پانوش:

۱- مهرداد بهار، از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، چاپ هفتم ۱۳۹۰

۲- عبدالمحمد آیتی، شکوه قصیده، گزیده سخن پارسی،

انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۸۳

۳- ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار، انتشارات نگاه، چاپ

اول ۱۳۸۷

۴- نیما یوشیج

۵- محمدتقی بهار، سبک شناسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ

نهم ۱۳۸۶

۶- محمدگلبن، بهار و ادب فارسی، یکصد مقاله از ملک

الشعراء بهار، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم

۲۵۳۵

۷- محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، انتشارات

امیرکبیر ۱۳۹۲

۸- احمد شاملو، همچون کوچه ای بی انتها، گزینه ای از

شاعران بزرگ جهان، انتشارات نگاه ۱۳۹۰

## EGYPT SENDS BUILDING EQUIPMENT TO BEGIN GAZA RECONSTRUCTION

Egypt has sent a convoy of engineers and building equipment to Gaza to begin reconstruction in the Palestinian enclave after the recent Israeli-Palestinian conflict, Egyptian state television reported on Friday. Palestinians lined the street on the Gaza side of the Rafah crossing to welcome the convoy as it rumbled into the small coastal enclave. A Palestinian border official said 50 vehicles had crossed. "We rushed with all our money, equipment, and what we owned to join the Palestinians in the rebuilding. Every Muslim and every Egyptian wishes to take part in [the reconstruction]," Egyptian truck driver Mahmoud Ismail stated. Eleven days of conflict between Israel and Hamas erupted on May 10. More than 250 Palestinians were killed in hundreds of Israeli air strikes in Gaza. Rockets fired by Gaza militants killed 13 people in Israel. Egypt played a major role in brokering a ceasefire between both sides and has said it would allocate \$500 million to fund the rebuilding of devastated areas in Gaza.

Reuters



## PEACE IN PALESTINE



### Hengame Elahifard

Law, BA student, '97

What is considered to be a mere 'real estate dispute' by Israeli officials has drawn much attention to Sheikh Jarrah neighborhood, one of the most strategic areas in East Jerusalem, following the decision of the Israeli Supreme Court on the eviction of a number of Palestinian families from the neighborhood in favor of Jewish settlers. This decades-old legal battle over the rights of dozens of Palestinians is nothing but emblematic of a much greater play which culminates in forced and planned displacement of thousands of Palestinians, and also in Israel taking control of East Jerusalem on the basis of a 1970 Israeli law stating that Jewish property owners can reclaim land if they can prove land ownership prior to the 1948 war. This established the state of Israel and displaced hundreds of thousands of Palestinians ever since. Heightened tensions in Sheikh Jarrah as a result of aerial warfare and airstrikes resulted in statements made and concerns expressed by foreign and international officials. However, Israeli Foreign Ministry is still of the idea that Palestinian Authorities and Palestinian terrorists are presenting the situation as 'a nationalistic cause to incite violence in Jerusalem'.

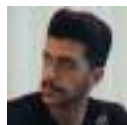
In response to Israeli's discriminatory policies in the neighborhood, The United Nations Commission for Human Rights called the forced removal of Palestinian families a 'potential war crime' due to Israel's failure to adhere to the principles of distinction, proportionality and precaution in conducting military operations. This failure also constitutes a grave violation of international humanitarian law. Tensions are boiled and Sheikh Jarrah has turned to the centerpiece of the belligerent Israeli-Palestinian conflict. Seeking an answer to the question of who has the right to what piece of the land does not sound as pivotal as innocent Palestinian and Israeli lives taken away through decades. The present unrest which leads to even more inhumane results will surely cause both sides grave sufferings and loss. The question is, is there a lasting solution to this crisis? As we estimate the likeliness of either side listening to global calls for an immediate ceasefire, Yossi Mekeberg believes that a ceasefire, if achieved, can only be the start of a much longer process. The senior consulting research fellow, the Middle East and North Africa program, at Chatham House, and a member of Human Rights Watch London Committee is of the idea that the Israeli government does not believe in any sort of two-state solution. He warns 'if anyone were to win

such a war, it will be such a calamity that no one wants actually to experience it.' Mekeberg believes in negotiation as the only way to end the current conflict in the region. Similarly, UN Human Rights High Commissioner, Michelle Bachelet, expressing concerns about violation of international law, states: 'There can be no winner, no sustainable peace resulting from the furtherance of the cycle of violence.' It seems that the only way to put an end to this bloodshed between the two states of Palestine and Israel is to center 'rights'. According to the Human Rights Watch report, Israel is committing crimes against humanity including persecution and apartheid against Palestinians. Therefore, it is important to pay enough attention to the violated rights of civilians. In this regard, prioritizing rights and human security will help smooth the way towards a stable political state. The conceptual framework that is normatively based on international human rights standards and operationally directed to promoting and protecting human rights is called 'Human Rights-Based Approach (HRBA)'. According to the Universal Declaration of Human Rights, adopted by the UN General Assembly in 1948, the equal and inalienable rights of all human beings provide the foundation for freedom, justice and peace in the world. Concerning this, the HRBA focuses on the excluded, marginalized or discriminated groups,

which requires an analysis of different forms of discrimination and power imbalances. In practical terms, a human rights-based approach can be used to guide policies as it can ensure access to the provision of access to justice. Several elements are attributed to the HRBA, one of which can be directly applied to the current situation of the East Jerusalem conflict; according to the human rights-based approach, national accountability systems need to be strengthened to ensure independent review of government performance and access to remedies for aggrieved individuals. Also, the International Court of Justice determined in the 2004 Advisory Opinion that Israel has obligations to Palestinians under humanitarian law and international human rights convention. Hence, adopting a rights-based approach in facing the East Jerusalem conflict will inspire the necessary public confidence and create momentum for reaching a political agreement. It can, to some extent, correct the imbalance of power as well. Recent tensions in the region have put the situation at a pivotal moment. Neither Israeli nor Palestinian leaders, or citizens, believe in the possibility of a two-state solution anymore. Putting human rights at the center of policymaking and negotiation process is the only possible way to prevent heavy loss. But, will Palestine be in peace again?

## THE VOID

EPISODE 5

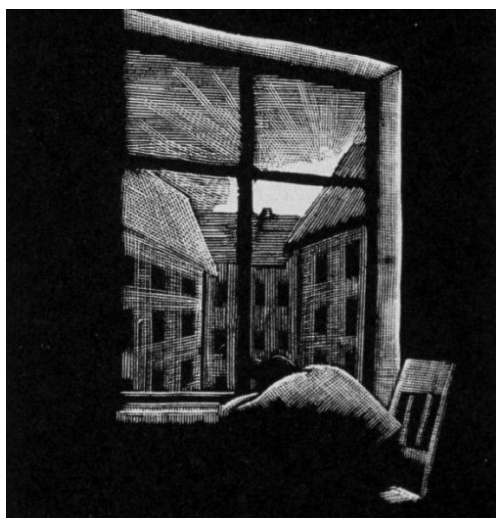


### Shahriar Ahmadi

English literature, BA student, '98

He saw nothing but the dark until he opened his eyes. Seemingly, he had slept on the chair the entire night. It was strange to him that he did not remember when and why he had chosen to do so, but waking up after such sleep was so satisfying that he was even a little proud of himself for this strange choice of his. He put his hand over his eyes to wake up the demons resting on his eyelids. Suddenly, the stench of alcohol pierced through his nostrils. He looked at his hand and noticed a cut on his ring finger. He remembered that he had cut his finger with dirty paper and then rubbed alcohol on it, but apparently, he had forgotten to clean them afterwards and had fallen asleep in his chair instead. He got up. The wall clock reminded him of his existence and shouted 12 pm. He put on his coat and went to the door. The person in the mirror next to the door was secretly peeking at him. He stepped on the warm body of the tarry alley and went about his daily cycle of life. Hands in the pockets, he walked on the sidewalk stone patterns to the quiet cafes. Seeing a boy selling newspapers, Kilian called upon him. The little boy was hastily running to him, like a deserter who saw a mirage. - Wanna buy newspapers, sir? + Is it today's papers? How Much? -Yes, sir! It would be Five kronor. Kilian placed the coin in the boy's hand and opened the newspaper. In the first headline, it wrote: "Murder in the Church of St. Eugenia: Apology of a Sinful Servant" A thunderbolt tore the cloud of Kilian's thoughts apart. Everything made sense. Betty's body lay parallel to the dome of St. Eugenia Church. Apparently, it was supposed to be a warning; A hidden one, yet right in front of the eyes. It had been three hours since the newspaper was published, and Killian still had a chance to get to the crime scene on time. No time should've been wasted. He should have seen the body. To solve this puzzle, he needed more pieces. Changing his way, he walked towards the station with relatively quick steps. He got on the

tram and sat on the first seat. It was Sunday, so the tram was not so crowded. Kilian opened his notes to review current clues. The air was filled with a sensation, a Deja Vu of sorts. Suddenly, he remembered Officer Falk, who had given him information about the previous murder. He wondered that maybe this time, he would see him and ask him to let him have a tour in the crime scene to have a better angle. He arrived at Skeppsholman Station. As soon as he got off, the heavy, bleak shadow of St. Eugenia Catholic Church weighed on him. Stockholm police department was still present, and Kilian was relieved that he wasn't too late. In the distance, he saw Officer Falk standing next to a sturdy, middle-aged man. Hopeful, he continued on his way to them... It felt weird. With each step he took, his eyes and head became heavier and heavier. He paused for a moment to recollect his thoughts and senses. He closed his eyes... He saw nothing but the dark... until he opened his eyes. His body was suddenly filled with terror. All the demons and fears of the world came on to him. A shiver went down his spine and stuck him to his chair, between reality and dream. The Sunday papers were waving at him from his desk, smirking. It wasn't a lucid dream; in fact, he went outside and bought that newspaper. This fact is brighter than the day. But how did he get here? The last thing he remembered was Officer Falk's face. Scared, he looked at the clock. It struck 6 pm...



## A CROSSOVER BETWEEN LITERATURE AND PSYCHOLOGY



### Sadaf Yeganeh

English literature, BA student, '97

As a student of English literature there have been a number of occasions where I was supposed to write or talk about those skills, studying literature has improved in me, which are not as small in number as some may think and give us and our major credit for. One of the abilities I always name, and truly believe, to have improved is the ability to understand people, their feelings and what they REALLY mean, even if they are not direct about it (aka, reading between the lines) which, I believe, is directly related to another field of study, psychology. Both literature and psychology deal with people, the way they deal with their lives, and the things they go through, good or bad, happy or sad, failed or achieved. When reading a book, especially one of true literary value, you are very likely to come across signs of what is going on inside a person's mind, some plain visible signs and some only apparent through more careful reading. Literary figures put much of themselves in their works. A poet grieving the loss of a loved one, composes such beautiful grief-stricken poems that one can feel the pain as if it's their own pain. Of course, my point is not about the beauty but the feelings that result in the beauty, feelings driven from the mind and mental status of the poet into the poem, creating a mirror to reflect the emotions inside the poet. There

are also times when the personal life and/or the mental belief and status of the writer or the poet is injected into the work, sometimes even without them being conscious of the matter until after the work is produced, for example if the writer does not have a good relationship with a sibling, there is a good chance that we might see the protagonist or one of the main characters struggling with their sibling. A good well-known example is Eugene O'Neil, the famous American playwright, who put a lot of his own experiences in his plays. In his play "Long Day's Journey into Night", in which the portrayed family is a reflection of his own, the painkiller addicted mother, the father who is an actor, the elder hard drinking son, and the third son of the family who is born after the death of the second son, reflect his own mother, father, brother and he himself. In his case, it is most probable that O'Neil was aware of his writing being almost directly driven from his own family. Not only do we practice understanding of the creators' mind and feelings while we deal with literary works, but also, we see that of the fictional characters, their motives, feelings, reasons, etc. As one reads a literary work, he or she gets or sometimes tries to get an insight into what goes on in the characters' head and/or heart. The good reader tries to both read the book and the characters. Understanding of someone else or the effort to understand another person, fictional or real may be, can be, and in my view, is a good practice in the field of psychology.

